



سومر که از قرون نخستین رسالت بر «ذبیح خدا» نوحه سر داده است، همچنان هر سال عزاداری برپا می‌کند و یاد آن ذبیح را زنده نگه می‌دارد؛ و یاد او همواره حرارتی در دل‌های مؤمنان خواهد داشت که هرگز خاموش نمی‌شود. از خدا می‌خواهم که مردم را توفیق دهد تا مسئله حسین را همان‌گونه که نزد خدا و رسولانش است، بشناسند و شناختشان تنها به ظواهر محدود نماند.

دکتر علاء سالم، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۶م، صفحه ایکس.

پاسخ‌هایی به کشیش ساسان توسلی | قسمت دوم

غلام امین و دانا (قسمت سوم)

بذر انس با کلمات آسمانی

انحلال یا عدم انحلال تکاح

اصل دین یا اصول دین؟



سید احمد الحسن کیست؟

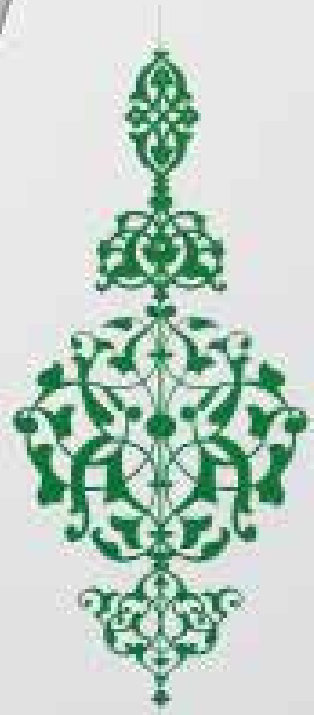
سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»



فهرست

نقد برنامه مقایسه الهیات اسلام و مسیحیت..... ۳

گفت‌وگوی داستانی درباره دعوت فرستاده عیسی (فصل دوم)..... ۹

بذر انس با کلمات آسمانی..... ۱۴

واکاوی تطبیقی احکام حمایتی مترتب بر بهره‌وری جنسی از زوجه نابالغ، در فقه امامیه و کلام سید احمد الحسن..... ۳۶

نماینده رسمی سفارتخانه آسمان..... ۴۲

نشریه زمان ظهور

شماره ۲۲۵، جمعه ۲۹ خرداد ۱۴۰۵،
۳ محرم ۱۴۴۸، ۱۹ ژوئن ۲۰۲۶
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:

WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO
www.zamanezohoor.com

مقالات در سایت نشریه زمان ظهور به آدرس:
<https://zamanezohoor.com>

و در نرم‌افزار المهدیون نیز قابل دسترسی می‌باشند.



هرگونه برداشت از نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان است.





نقد برنامه مقایسه الهیات اسلام و مسیحیت

پاسخ‌هایی به کشیش ساسان
توسلی | قسمت دوم

به قلم یشوعا خطیب





• پیش‌گفتار

در قسمت پیشین، به بررسی یکی از ادعاهای کشیش ساسان توسلی مبنی بر این‌که قرآن اشتباه کرده است، پرداختم و نشان دادم که ادعای او گمراه‌کننده و نشان از تعصب مذهبی اوست. در این قسمت، می‌خواهم ادعای دیگر او را دربارهٔ آیه دیگری از قرآن بررسی کنم و قضاوت را به آزاداندیشان واگذار نمایم.

کشیش ساسان توسلی در همان قسمت دوم و در ادامهٔ نقد آیات قرآن، به این مضمون می‌گوید:

«یا حتی آنجا آیات دیگری است که تثلیث را مستقیم می‌گوید که مسیح یا خدا یکی از سه تاست.

آن آیهٔ دومین را که خواندی که می‌گوید سه خدا، عربی آن می‌گوید خدا یکی از سه خداست. آیا ما تثلیث را این‌طور می‌فهمیم که خدا سه تاست و سه تا قسمت دارد و سه نفرند و یکی از سه تای آن، خداست؟ آیا ما چنین درکی از تثلیث داریم؟» [۱]

همچنین در ادامه به این مضمون می‌گوید:

«این نکتهٔ خیلی مهمی است که یک قسمت، نه همهٔ آن، یک قسمت از اختلاف مسیحیت و اسلام، الهیات اسلام و مسیحی - که موضوع درس‌های ماست - سوءتفاهمات اسلام دربارهٔ مسیحیت است، چه دربارهٔ تثلیث و چه دربارهٔ پسر بودن، پسر خدا بودن عیسی مسیح.»

همان‌طور که در قسمت پیشین و این قسمت خواندیم، هدف او تحقیر و کوچک نشان دادن آیات قرآن است؛ این‌که او می‌فهمد، ولی قرآن دچار سوءتفاهم شده است و نمی‌فهمد!

• تعریف تثلیث از سوی دکتر ساسان توسلی

پیش از همه چیز شاید لازم باشد تعریف ساسان توسلی از تثلیث را ارائه کنم؛ او در برنامهٔ دیگری به این مضمون گفته است:

«تثلیث در ایمان مسیحی، یک نکته‌ای است در اعتقادنامه و الهیات مسیحی که کلیسای مسیحی در قرن چهارم این اعتراف‌نامه را با این فرمول تقریباً

مطرح می‌کند که ما در مسیحیت می‌گوییم: ما به یک خدا ایمان داریم که آن خدا خود را در سه شخص به ما نشان داده است؛ ما به یک خدا ایمان داریم که آن خدا خود را در شخص پدر، پسر و روح القدس به ما نشان داده است.» [۲]

از دیدگاه کشیش ساسان توسلی و سایر مسیحیان هم‌باور با او، شخص پدر - که در نزد ما مسلمانان همان خدای پاک و بلندمرتبه و لاهوت مطلق است - یکی از سه شخص تثلیث است. یعنی در نظر آنان پسر (عیسای مسیح) و روح القدس نیز خدا هستند. این‌ها (پدر، پسر و روح القدس) یکی نیستند؛ اما هر سه لاهوت مطلق هستند و خدا در این سه شخص نشان داده شده است. [۳]

• معنای حقیقی تثلیث

همان‌طور که پیش‌تر ارائه شد، کشیش توسلی وقتی می‌خواهد از آن متن قرآن اشکال بگیرد، چنین می‌گوید: «عربی آن می‌گوید که خدا یکی از سه خداست. آیا ما تثلیث را این‌طور می‌فهمیم که خدا سه تاست و سه تا قسمت دارد و سه نفرند و یکی از سه تای آن، خداست؟ آیا ما چنین درکی از تثلیث داریم؟»

باید بگویم کشیش ساسان توسلی و سایر مسیحیان تثلیثی نمی‌گویند که سه خدا وجود دارد؛ زیرا این تفسیر به‌صورت آشکارا با کلمات کتاب مقدس که دربارهٔ وحدانیت خداست، مغایرت دارد. [۴] آنان در تفسیر این‌که چگونه ممکن است خدا، سه شخصیت داشته باشد و این سه شخصیت یکی نباشند، اما در آن واحد، دارای یک جوهر و ذات باشند در مانده‌اند. برای نمونه، کشیش توسلی دربارهٔ باور پرتناقض تثلیث می‌گوید:

«ماورای عقل است، ولی بر ضد عقل نیست.» [۵]

باور دارم چنین سخنی تلاشی عاجزانه برای رهایی از مخمصه‌ای است که پدران کلیسا ساخته‌اند و آنان دنباله‌رویشان شده‌اند؛ اما در حقیقت هر قدر هم از این موضوع بگریزند، هر عاقلی می‌تواند پی ببرد که تثلیث چنین معنایی دارد که سه خدای متمایز وجود دارند و پدر (یا خدای پاک و بلندمرتبه) یکی از این سه خداست. [۶]



و پولس بیان می‌کند:

«زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است؛ یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد.» [۱۰]

او به روشنی عیسی (ع) را برابر با خدا نمی‌داند، بلکه او را انسانی می‌داند که واسطه بین خدا و انسان‌هاست. در نتیجه، این که قرآن به جای استفاده از پدر، عبارت خدا را به کار می‌برد، بدون اشکال و درست است؛ همان‌طور که این متون نیز گواه این موضوع است:

«عیسی بدو گفت: "مرا لمس مکن؛ زیرا هنوز نزد پدر خود بالا نرفته‌ام. و لیکن نزد برادران من رفته، به ایشان بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می‌روم." [۱۱]

«متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح؛ که به حسب رحمت عظیم خود ما را به وساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان از نو تولید نمود برای امید زنده؟» [۱۲]

«۳ عیسی با این که می‌دانست پدر همه چیز را به دست او داده است و از نزد خدا آمده و به جانب خدا می‌رود، ۴ از شام برخاست و جامه خود را بیرون کرد و دستمالی گرفته، به کمر بست.» [۱۳]

«فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد.» [۱۴]

«تا خدای خداوند ما عیسی مسیح که پدر ذوالجلال است، روح حکمت و کشف را در معرفت خود به شما عطا فرماید.» [۱۵]

«خدا و پدر خداوند خود عیسی مسیح را شکر می‌کنیم و پیوسته برای شما دعا می‌نماییم.» [۱۶]

• آیه مورد اشکال ساسان توسلی و پاسخ به آن

اکنون به متن موجود در قرآن نگاهی بیفکنیم؛ متنی که کشیش ساسان توسلی ادعا می‌کند برخلاف باور و توضیح مسیحیان از تثلیث است:

(آنان که گفتند: خدا یکی از سه تاست، یقیناً کافر شدند، و حال آن که هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناک خواهد رسید.) [۷]

در اینجا لازم است به چند نکته توجه کنیم: چرا کشیش توسلی به این موضوع اشاره نمی‌کند که ممکن است قرآن به جای به کار بردن از عبارت «پدر»، از عبارت «خدا» استفاده کرده باشد؟! و می‌پرسم: اگر قرآن چنین کاری کرده باشد، آیا این کار قرآن اشتباه است؟! در حقیقت، خودشان نیز می‌دانند که هیچ اشکالی در آن نیست؛ زیرا آنچه مسلم است، این است که تنها شخصیت «پدر» در کتاب مقدس است که لاهوت مطلق یا خداست؛ همان‌طور که عیسای مسیح بیان می‌کند:

«ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم.» [۸]

این متن نشان می‌دهد که عیسای مسیح دارای جهل است و جهل نقص است و لاهوت مطلق یا خدا نقص یا جهل یا تاریکی ندارد و او نور مطلق است؛ پس تنها پدر است که لاهوت مطلق و آن خدای یگانه بی‌نیاز و بدون شریک است. [۹]



اکنون توضیح ارزشمند سید احمد الحسن - از سخن‌گویان رسمی دین اسلام و سیزدهمین جانشین از جانشینان بیست و چهارگانه یادشده در وصیت پیامبر اسلام - را درباره این آیه از قرآن بخوانیم؛ او می‌گوید:

«اینان در این آیه، **اهل کتاب هستند و ادعا می‌کنند که به خدا ایمان دارند؛ حال چطور ممکن است کسی تصور کند که این عده درباره خدایی که به او گرویده‌اند، این‌گونه بگویند که او فقیر و بینواست؟!!**

به خدا سوگند، آنان نگفتند خدا فقیر است، بلکه درباره پیامبران و فرستادگان چنین سخنی بر زبان راندند و با این گفته ایشان را ملامت و سرزنش کردند. علمای غیرعامل و پیروانشان که در هر زمان با گفتار و کردار از آنان تبعیت می‌کردند، درباره انبیا و اوصیا می‌گفتند که اگر اینان با خدا بودند، خداوند بی‌نیازشان می‌ساخت؛ چراکه برای دفاع از عقیده خود به یاور و مال و سلاح نیاز پیدا می‌کردند. اینان چنین می‌انگاشتند که زیادی اموال و یاوران علمای غیرعامل، تأییدکننده آنان و دلیلی بر حقانیتشان است.» [۱۹]

سپس کلمات سایر سخن‌گویان دین اسلام را در تأیید تفسیر خود می‌آورد؛ که می‌توانید آن‌ها را در منبع ارائه‌شده مطالعه کنید.

همچنین در قرآن می‌خوانیم:

(دانشمندان و راهبان خویش، و مسیح پسر مریم را به‌جای الله به خدایی گرفتند و حال آن‌که مأمور بودند تنها يك خدا را بپرستند، که هیچ خدایی جز او نیست. منزّه است از آنچه شریکش می‌سازند). [۲۰]

بنابراین کلمات تقدیم‌شده از کتاب مقدس به‌روشنی نابرابری پدر و پسر را نشان می‌دهد و این‌که پدر از پسر یا عیسی (ع) بزرگ‌تر و برتر است و لاهوت مطلق یا خدا تنها پدر است.

• توضیحی درباره نحوه بیان کلام قرآن

در اینجا یک پرسش باقی می‌ماند که چرا قرآن نگفته است: (آنان که گفتند: پدر یکی از سه تاست، یقیناً کافر شدند) و به‌جای آن چنین گفته است: **(آنان که گفتند: خدا یکی از سه تاست، یقیناً کافر شدند...؟!)** یعنی چرا قرآن تعریف تثلیث را همان‌طور که مسیحیان می‌گویند، بیان نکرده است و به‌جای آن، حقیقت تناقض‌گونه تثلیث را از جانب مسیحیان بیان می‌کند؟!!

مایلم برای کشیش ساسان توسلی - که مدرک دکترای خود را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه بیرمینگهام انگلستان اخذ کرده است - بیان کنم: از آنجا که هر نهاد رسمی سخن‌گویی دارد که مفسر حقیقی آن نهاد است، دین اسلام نیز سخن‌گویان رسمی دارد و آنان فرستادگان خدا، حضرت محمد (ص) و پس از او (ص) جانشینان او (ص) هستند که اسامی‌شان در وصیت شب وفات او (ص) ذکر شده است. [۱۷]

حال که این موضوع مشخص شد، به‌سراغ مثال‌هایی از قرآن خواهیم رفت تا کسانی که نمی‌دانند، با نحوه کلام خدا در قرآن آشنا شوند؛ در قرآن می‌خوانیم:

(مسلماناً خداوند سخن‌گویی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به‌زودی آنچه را گفتند، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان را.») [۱۸]



• تا اینجا

قرآن از قول مسیحیان می‌گوید که خدا یکی از سه (سه شخص تثلیث) است و این بیان قرآن، محل اشکال کشیش ساسان توسلی است؛ و در پاسخ به اشکال او چند نکته را ارائه کردم:

اول. کتاب مقدس نشان می‌دهد که تنها پدر، لاهوت مطلق و خدای حقیقی است و استفاده از عبارت خدا به جای پدر بدون اشکال است و این نکته مقدماتی است.

دوم. گرچه مسیحیانی همچون کشیش توسلی همواره کوشیده‌اند که نشان دهند در تثلیث ما به یک خدا باور داریم، اما ماهیت حقیقی تثلیث، باورمندی به سه خداست و در این باور، پدر یا خدای پاک و بلندمرتبه، یکی از آن سه خداست.

سوم. دریافتیم که ممکن است قرآن به جای آن که موضوعی را به صورت مستقیم یا با صراحت بیان کند، مفهوم یا حقیقت آن را بیان کند و در این موضوع جای هیچ تردیدی نیست.

در نتیجه، به باور من این اشکال کشیش ساسان توسلی نیز وارد نیست. با ما همراه باشید.

اکنون کلام یکی از سخن‌گویان اسلام و قرآن را یادآور می‌شویم؛ یعنی امام صادق (ع).

ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه **(دانشمندان و راهبان خویش را به جای الله به خدایی گرفتند)**، پرسیدم. فرمود: «به خدا سوگند! مردم را برای عبادت خودشان دعوت نکردند و اگر چنین کاری می‌کردند، مردم از آنان نمی‌پذیرفتند؛ ولی حلال خدا را برای آنان حرام و حرام خدا را حلال کردند؛ پس ناخودآگاه آنان را پرستیدند.» [۲۱]

بنابراین اکنون کسانی که نمی‌دانستند، با مطالعه این کلمات پی خواهند برد که کلام خدا در قرآن چگونه است.

همچنین از آنجاکه ساسان توسلی، بر مذهب پروتستان است و به متن عبری عهد قدیم ایمان دارد، می‌خواهم مثالی از کتاب مقدس برای او ذکر کنم. در انجیل متی می‌خوانیم:

«و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد: "که اینک باکره، آبستن شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما."» [۲۲]

پیش‌گویی بیان شده، برگرفته از تنخ یهودی یا عهد قدیم است؛ که ما آن را در اشعیا ۷:۱۴ می‌یابیم. اما مسئله این است که عبارت **«עלמה»** در متن عبری آن، به معنای «باکره» نیست؛ بلکه به معنای **«زن جوان»** است! بله؛ مشکلی که وجود دارد این است که هر زن جوانی ممکن است باکره نباشد و این زن ممکن است زن غیرباکره‌ای باشد؛ پس به چه دلیلی انجیل به جای بیان دقیق متن عبری (یعنی زن جوان)، عبارت باکره را آورده است؟! [۲۳]

بنابراین کشیش توسلی به این نتیجه راضی است که نباید معنای ظاهری عبارت **עלמה** در اشعیا ۷:۱۴ را اصل قرار داد و انجیل مرتکب اشتباه یا تحریف حقیقت نشده است؛ بلکه انجیل معنای دقیق این زن جوان را - که باکره است - گفته است.

بنابراین از فرد عاقل و عادل انتظار می‌رود در برابر آیات قرآن متعصبانه برخورد نکند.



منابع:

[۱] کشیش دکتر ساسان توسلی، شبکهٔ محبت تیوی، مقایسهٔ الهیات اسلام و مسیحیت، قسمت دوم، دقیقه ۱۸:۵۰ به بعد:



[۲] کشیش دکتر ساسان توسلی، کلیسای فارسی‌زبان کلوری چپل، شبان فیروز، تثلیث، قسمت اول، دقیقه ۰۱:۴۵ به بعد:



[۳] کشیش دکتر مهرداد فاتحی، شبکهٔ محبت تیوی، تثلیث، از دقیقه ۷ تا ۱۸:



کشیش الناتان باغستانی، شبکهٔ محبت تیوی، بنیاد ایمان مسیحی، مقدمه‌ای بر تثلیث، دقیقه ۱۱ تا ۱۲:



[۴] آندریاس انصاری، نشریهٔ زمان ظهور، شماره ۱۴۹، سلسله‌پاسخ‌هایی به بدعت شماره ۱۰۱ یوحنا دمشقی، قسمت ۱۳:



[۵] کشیش دکتر ساسان توسلی، کلیسای فارسی‌زبان کلوری چپل، شبان فیروز، تثلیث، قسمت اول، از دقیقه ۱۲:۴۳ به بعد:



[۶] جالب است بدانیم دکتر ساسان توسلی اعتراف می‌کند که بسیاری از مسیحیان هنگامی که صحبت از تثلیث می‌شود، مات و مبهم می‌مانند! باور دارم این موضوع نه تنها برای بسیاری از مسیحیان بلکه برای همهٔ آنان پرتناقض و غیرعقلانی و ضد عقل است و آنان نمی‌توانند بین کتاب مقدس و تثلیث ارتباط درستی پیدا کنند. ر.ک: کشیش دکتر ساسان توسلی، کلیسای فارسی‌زبان کلوری چپل، شبان فیروز، تثلیث، قسمت اول، ثانیه ۰۰:۱۹ به بعد:



[۷] سورهٔ مائده، آیه ۷۳: (لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ).

[۸] مرقس ۳۲:۱۳.

[۹] ر.ک: سید احمد الحسن، توحید، فصل الخطاب از انجیل، ص ۱۳۰.

[۱۰] اول تیموتائوس ۵:۲.

[۱۱] انجیل یوحنا ۱۷:۲۰

[۱۲] ۱ پطرس ۳:۱.

[۱۳] انجیل یوحنا ۳:۱۳.

[۱۴] فلپیان ۲:۱.

[۱۵] افسسیان ۱۷:۱

[۱۶] کولسیان ۳:۱

[۱۷] ر.ک: طوسی، غیبت، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

[۱۸] سورهٔ آل عمران، آیه ۱۸۱: (لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلُ دُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ).

[۱۹] سید احمد الحسن، توحید، الوهیت، ص ۵۹ و ۶۰.

[۲۰] سورهٔ توبه، آیه ۳۱: (اتَّخِذُوا أَرْبَابَهُمْ وَزُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ).

[۲۱] شیخ کلینی، کافی - ط الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۷:

«عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (اتَّخِذُوا أَرْبَابَهُمْ وَزُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ) فَقَالَ أَمَّا وَاللَّهِ مَا دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ لَمَا أَجَابُوهُمْ وَ لَكِنْ أَخْلَوْا لَهُمْ خَزَامًا وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ.»

[۲۲] انجیل متی ۲۲:۱-۲۳.

[۲۳] برای توضیحات بیشتر دربارهٔ این متن و متون دیگر، به این مقاله مراجعه کنید: آندریاس انصاری، نشریهٔ زمان ظهور، شماره ۱۴۶، سلسله‌پاسخ‌هایی به بدعت ۱۰۱ یوحنا دمشقی، قسمت یازدهم، بخش دوم:





گفت و گوی داستانی دربارهٔ دعوت فرستادهٔ عیسی

(فصل دوم)

به قلم متیاس

غلام امین و دانا (بخش سوم / آخر)





ابتدا فروش شروع به سخن گفتن کرد و گفت: «الیاس، توضیحات را خواندم. حتماً می‌دانی که از نظر بسیاری از مفسران، منظور از «غلام امین و دانا» معلمان مسیحی هستند که به دیگران آموزش می‌دهند. آن‌ها به وسیله روح القدس مسح می‌شوند و راهنمای دیگر ایمان‌داران می‌شوند. در این باره چه می‌گویی؟ چرا منظور از غلام امین و دانا نمی‌تواند این افراد باشد؟»

الیاس پاسخ داد: «آیه را بلدی، فروش، اما بیا یک بار دیگر آن را بخوانیم:

«پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد؟»

دقت کن! غلام امین و دانا از سوی آقایش گمارده می‌شود.

بسیار خوب! منظور از آقا چه کسی است؟ مگر نمی‌گویند که منظور از این آقا، عیسا است و معلمان مسیحی همان غلام امین و دانا هستند؟ آیا این افراد از سوی خود عیسی معرفی و منصوب شده‌اند؟ قطعاً خیر! پس چگونه ممکن است آنان غلام امین و دانایی باشند که از سوی آقایش به کار گرفته می‌شود؟

از این مورد بگذریم و به دلیل دیگری بپردازیم. همان‌طور که می‌دانی، معلمان مسیحی به تمام عهد قدیم ایمان دارند؛ اما عهد قدیم دارای اشتباهات علمی فراوانی است که احمد الحسن به برخی از آن‌ها اشاره کرده است. [۳] آیا می‌شود هم از جانب عیسی تعیین شوند و هم پر از نقص باشند و متوجه آن اشتباهات نگردند؟ امکان دارد، فروش؟

«این غلام امین دانا کیست؟ جز فرستاده‌ای از جانب امام مهدی و عیسی و ایلیا و خضر علیهم‌السلام؟» [۱]

الیاس در سکوت محل کار، به انتظار پاسخ فروش نشسته بود که ناگهان نگاهش به آیگون کتاب «وصی و فرستاده امام مهدی (ع) در تورات، انجیل و قرآن» بر صفحه لپ‌تاپش افتاد. او احساس کرد در این فاصله، خدا می‌خواهد او را به خلوتی ببرد؛ خلوتی که در آن فقط او باشد و کتابی که بوی بهشت می‌دهد. فایل کتاب را باز کرد و به مرور دوباره آن پرداخت. گویی هر واژه آن همچون چراغی دلش را روشن می‌کرد. او منتظر پیام فروش بود، اما مهم‌تر از آن، به اشتیاق یافتن حقیقت در صفحات کتاب، به مطالعه دوباره آن پرداخت.

انجیل متی، فصل ۲۴:

«۴۵ پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد؟»

احمد الحسن در تفسیر کلمه «خوراک» در این آیه نیز چنین فرموده است:

«یا همان علم و معرفت و حکمت.» [۲]

او مشغول مطالعه کتاب بود که زنگ گوشی همراهش به صدا درآمد.

فروش بود! الیاس تماسش را پاسخ داد و گفت: «سلام رفیق! منتظر جوابت بودم. توضیحاتم را خواندی؟»

فروش گفت: «بله، الیاس، متشکرم. اما سؤال دیگری دارم. دیدم نزدیک محل کارت هستم، گفتم بهتر است بیایم تا حضوری صحبت کنیم. فرصت داری یا نه؟»

الیاس خندید و گفت: «برای سخن گفتن از احمد الحسن همیشه فرصت دارم.»

آن‌ها تصمیم گرفتند که با یکدیگر قدم بزنند و گفت‌وگو کنند.



ویژگی «غلام امین و دانا» چه بود؟ کسی که از سوی آقای خود گمارده می‌شود و خوراک، یا «علم و معرفت و حکمت»، را منتشر می‌کند. تو از سوی معلمان مسیحی انجام چنین اعمالی را شاهد بوده‌ای؟ حداقل این است که آنان تا به حال متوجه اشتباهات کتاب مقدس نشده‌اند.»

از این نیز که بگذریم، این افراد از تفسیر قطعی بسیاری از آیات کتاب مقدس ناتوان مانده‌اند و گاهی خود نیز به آن اعتراف کرده‌اند. [۴] در موضوعاتی هم که به خیال خودشان تفسیر می‌کنند، به خطا رفته‌اند و تفاسیری ارائه کرده‌اند که با حقیقت سازگاری ندارد. حتماً یادم بیاور که به‌زودی و در فرصتی مناسب، برایت از «شاخه و نهال» در اشعیا ۱:۱۱ بگویم و از تفاسیر عجیب مفسران نیز آگاهی کنم. پس مصداق غلام امین و دانایی که حکمت و معرفت را منتشر می‌کند، نمی‌تواند بر افرادی صدق کند که نه متوجه اشتباهات کتاب مقدس شده‌اند و نه علم و توان تفسیر آیات کتاب مقدس را دارند.

سروش با لبخندی سرشار از قدردانی، از الیاس قول گرفت که به‌زودی فرصتی را برای سخن گفتن دربارهٔ «نهال و شاخه» فراهم آورد. این داستان ادامه دارد...



منابع:

[۱] سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام در تورات، انجیل و قرآن.

[۲] همان

[۳] سید احمد الحسن می‌گوید: «در تورات مواردی وجود دارد که به‌وضوح باطل است؛ زیرا با حقایق ثابت‌شده علمی در تناقض است؛ از جمله: کشتی نوح از هر حیوانی که بر روی زمین زندگی می‌کرد، یک زوج برداشته است:

«۱۴- همگی و انواع حیوانات، یعنی همه چهارپایان و خزندگان زمین و همه مرغان و همه پرندگان بالدار. ۱۵- هر موجود زنده‌ای دو به دو با نوح وارد کشتی شدند. ۱۶- از هر موجود زنده نرو ماده همان‌طور که خدا امر فرموده بود، وارد شدند و خداوند در را برایشان بست.» (پیدایش، فصل ۷)

سراسر زمین با آب پوشانده شد و آب به اندازه‌ای بالا آمد که پانزده ذراع از قله بلندترین کوه‌های زمین نیز بالاتر رفته بود:

«۱۹- آب بسیار بر زمین فزونی گرفت و روی هر کوه بلندی را که زیر چتر آسمان بود، فراگرفت. ۲۰- آب به اندازه پانزده ذراع از کوه‌ها بالاتر رفت. ۲۱- هر جنبه زنده‌ای که در روی زمین حرکت می‌کرد، یعنی تمام پرندگان، چهارپایان و خزندگان و تمام مردم همه مردند. ۲۲- هر جانداري که بر روی زمین خشک زندگی می‌کرد، مرد. ۲۳- خدا هر موجودی را که در روی زمین بود، یعنی انسان، چهارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان، همه را نابود کرد. فقط نوح با هرچه در کشتی با او بود باقی ماند.» (پیدایش، فصل ۷)

«نوح با این خیل انبوه حیوانات و غذاهایی که نیاز داشتند، بیش از یک سال در کشتی ماند:

«۶- وقتی طوفان آمد، نوح شش‌صد ساله بود. ۷- او با زن، پسرها و عروس‌هایش به داخل کشتی رفتند تا از طوفان رهایی یابند. ... ۱۱- در شش‌صدمین سال زندگی نوح، در روز هفدهم ماه دوم، تمام چشمه‌های عظیم در زیر زمین باز و همه‌ی روزنه‌های آسمان گشوده شد.» (کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، اصحاح ۷)

«۱۴- در روز بیست‌وهفتم ماه دوم زمین کاملاً خشک بود. ۱۵- خدا به نوح فرمود: ۱۶- تو و زن، پسرها و عروس‌هایت از کشتی بیرون بیایید.» (کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، اصحاح ۸)

بطلان این موارد بدیهی است. آن‌ها هیچ تفسیر علمی برای این آب‌های انبوه که تمام کوه‌های زمین را پوشاند ارائه نکرده‌اند؛ چراکه اصولاً این مقدار آب در زمین وجود ندارد.

در ضمن هیچ توجیهی برای چگونگی باقی ماندن این‌همه حیوان زنده بر روی کشتی، آن هم به مدت بیش از یک سال، وجود ندارد. طبق این داستان تورات، نوح چگونه آن مقدار غذا را که برای بیش از یک سال کافی باشد در کشتی جای داده است؟ نوح از کجا گوشت کافی برای درندگانی که طبق این داستان، آن‌ها را بیش از یک سال بر کشتی سوار کرده بود فراهم کرد؟

«در شش‌صدمین سال زندگی نوح، در روز هفدهم ماه دوم، تمام چشمه‌های عظیم در زیر زمین باز شد و همه روزنه‌های آسمان گشوده گشت. ۱۲- و مدت چهل شبانه‌روز باران می‌بارید. ۱۳- در همان روز، همان‌طور که خداوند فرموده بود، نوح و پسرانش سام، حام و یافث و همسر نوح و سه عروسش به کشتی وارد شدند. در روز اول ماه اول، نوح شش‌صد و یک ساله شد و در این وقت بود که آب روی زمین خشک شد. پس نوح دریچه کشتی را باز کرد و دید زمین در حال خشک شدن است. ۱۴- در روز بیست‌وهفتم ماه دوم زمین کاملاً خشک بود. ۱۵- خدا به نوح فرمود: ۱۶- تو و زن، پسرها و عروس‌هایت از کشتی بیرون بیایید. ۱۷- تمام حیواناتی که همراه تو هستند؛ یعنی تمام پرندگان و چهارپایان و خزندگان را هم بیرون بیاور تا در روی زمین پراکنده شوند و به فراوانی بارور و زیاد گردند. ۱۸- پس نوح، پسرها و عروس‌هایش از کشتی بیرون رفتند. ۱۹- تمام چهارپایان و پرندگان و خزندگان هم با جفت‌های خود از کشتی خارج شدند.» (پیدایش، فصل ۸)

در ضمن نشانه‌ها و آثار این آب‌های فراوان کجاست؟ حال آن‌که آثار رویدادهای زمین‌شناختی که تاریخشان به میلیاردها سال پیش بازمی‌گردد موجود است و می‌توان آن‌ها را مطالعه نمود؛ حال چگونه آثار و علائم رویدادی که بیشتر از چند هزار سال از آن نگذشته کاملاً محو و نابود شده است؟! شاید بگویند: با معجزه پنهان و محو شده است!



البته در این صورت، ماجرا یک قصه‌پردازی تخیلی خواهد بود. هر جا که موضوع بغرنج و گیج‌کننده می‌شود و مشخص می‌گردد که قضیه با حقایق اثبات‌شده علمی ناسازگار و فاقد شواهد تاریخی است، دلیل آن را معجزه می‌دانند؛ حال آن که ارائه معجزه از سوی خداوند باید از روی حکمت و دلیل حکیمانه باشد و نه کاری عبث یا برای گمراه کردن انسان و پوشیده ساختن وقایع و رویدادهایی همچون طوفان نوح (ع).

(توهم بی‌خدایی، نوبت انتشار دوم، فصل پنجم، «در تورات علت طوفان نوح، دینی و ناشی از خشم الهی است»، ص ۴۱۱-۴۰۹. همچنین رجوع کنید به همان فصل، مبحث «برخی اشکالات علمی بر داستان عامیانه دینی طوفان»، ص ۳۸۵ و مبحث «مکان طوفان نوح»، ص ۴۱۵، و مبحث «لنگرگاه کشتی نوح (دلمون، جودی، آرات)» ص ۴۱۸). همچنین بیان می‌کند:

«کتاب مقدس یا عهد قدیم و عهد جدید و به‌خصوص داستان‌های تورات، با نظریه تکامل در تعارض است. از جمله این تعارضات می‌توان به موضوع خلق حوا از دنده آدم اشاره کرد که در مورد آن صحبت خواهد شد:

پس پروردگار، خدا، آدم را به خواب عمیقی فرو برد و وقتی او در خواب بود، یکی از دنده‌هایش را گرفت و جای آن را با گوشت به هم پیوست. سپس از دنده‌ای که از آدم گرفت، زن را ساخت و او را به نزد آدم آورد.

البته ما معتقدیم که تورات تحریف شده است و به همین دلیل، تعارض متن تورات با نظریه تکامل به معنای بطلان دین الهی نیست. (توهم بی‌خدایی، نوبت انتشار دوم، ص ۱۶۱)

[۴] ویلیام مک دونالد می‌گوید: «ما با اطمینان نمی‌توانیم بگوییم که بیست و چهار پیر چه کسانی هستند.» (ویلیام مک‌دونالد، تفسیر کتاب مقدس برای ایمان‌داران (Believers Bible Commentary)، ص ۲۳۶).



بذر انس با کلمات آسمانی چگونه کودک قرآن را دوست داشته باشد

به قلم مریم رحمانیان





چکیده

این نوشتار با تکیه بر یافته‌های معاصر علوم اعصاب رشد، روان‌شناسی دلبستگی و نظریه‌های نوین یادگیری، به بررسی این پرسش می‌پردازد که چگونه می‌توان انس کودک با قرآن را از سال‌های آغازین زندگی به گونه‌ای شکل داد که مبتنی بر امنیت هیجانی، لذت و مشارکت فعال باشد. استدلال اصلی مقاله آن است که تا پیش از هفت سالگی، کودک قرآن را نه از مسیر تحلیل مفهومی، بلکه از طریق حواس، هیجان و حافظهٔ ضمنی تجربه می‌کند. بر این اساس، شنیدن صدای والدین، قصه‌گویی تدریجی، بازی نمادین و گفت‌وگوی اخلاقی ساده، به عنوان مسیرهای رشدی همسو با بلوغ تدریجی شبکه‌های عصبی معرفی می‌شوند. مقاله با ارائهٔ یک الگوی مرحله‌به‌مرحله از نوزادی تا پیش‌دبستانی (۰-۶ سال)، نشان می‌دهد که چگونه قرآن می‌تواند از «صدای امنیت» در نوزادی، به «قصه و گفت‌وگوی معنا» در پیش‌دبستانی تبدیل شود. تأکید می‌شود که این مسیر، جایگزین آموزش زود هنگام نیست، بلکه بنیانی عاطفی-شناختی برای رابطهٔ پایدار و درونی کودک با قرآن فراهم می‌آورد.

مقدمه

گوش، نخستین دریچهٔ کودک به جهان است. پیش از آن که چشم‌ها توان دیدن داشته باشند یا زبان قادر به سخن گفتن شود، این صداها هستند که پیام امنیت را به نوزاد منتقل می‌کنند. ضربان قلب مادر و لالایی‌های آرام شبانه تنها ابزار خواباندن نیستند؛ آن‌ها نخستین واحدهای ادراک و تجربهٔ هیجانی را شکل می‌دهند و زیربنای نظام‌های بعدی زبان و موسیقی می‌شوند. مطالعات رشد نشان داده‌اند که از حدود هفتهٔ بیست و پنجم بارداری، سامانهٔ شنوایی جنین فعال است و به محرک‌های صوتی محیط پاسخ می‌دهد. این پاسخ‌ها به‌ویژه نسبت به صداها با فرکانس پایین - مانند تپش قلب یا جریان خون مادر - قابل مشاهده‌اند و خود را در تغییر حرکات بدن یا ضربان قلب جنین نشان می‌دهند. [۱] به بیان دیگر، پیش از تولد نیز صدا بخشی از «زبان محیطی» جنین است. پس از تولد، پژوهش‌های مبتنی بر ثبت فعالیت مغزی با EEG (نوار مغزی) نشان داده‌اند که حتی نوزادان نارس قادرند الگوهای منظم را از نامنظم تفکیک کنند. وقتی توالی‌های صوتی ریتمیک پخش می‌شود، مغز نوزاد پاسخ عصبی متمایزی نسبت به توالی‌های نامنظم ارائه می‌دهد. [۲] یافته‌های تازه‌تر نیز وجود «حس طبیعی ریتم» را در نوزادان اثبات کرده‌اند [۳]، حسی که بعدها بنیان درک زبان و موسیقی را فراهم می‌کند.



در واقع، ریتم و تکرار نه فقط ابزار یادگیری‌اند، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر معماری عصبی-شناختی انسان‌اند. در همین نقطه می‌توان از یک چارچوب توضیحی مدرن نیز بهره گرفت: در رویکرد «پردازش پیش‌بینانه»، مغز از ابتدا در پی ساختن مدل‌هایی برای پیش‌بینی رویدادهاست و الگوهای تکرارشونده (مانند ریتم، آهنگ و ثبات زمانی) به این مدل‌ها امکان می‌دهند خطای پیش‌بینی کاهش یابد و بدن به سوی حالت‌های تنظیم‌شده‌تر حرکت کند. [۴] به بیان ساده، «پیش‌بینی‌پذیری»، برای مغز در حال رشد، یک منبع بنیادین آرام‌سازی است. نکته مهم آن است که کیفیت محرک‌های شنیداری اهمیت بسیاری دارد. پژوهش‌های کلاسیک و معاصر نشان داده‌اند که صدای آشنا و پایدار - به‌ویژه صدای مادر - اثری آرام‌بخش و تنظیمی بر دستگاه عصبی نوزاد دارد. جنین و نوزاد، پیش از هر صدای دیگر، به ریتم‌های زیستی مادر خو می‌گیرند: ضربان قلب، تنفس، و الگوی گفتار او [۵] یافته‌های جدید نیز این الگو را تأیید کرده و نشان داده‌اند که ثبات صدا نقش کلیدی در شکل‌گیری حس امنیت و دلبستگی اولیه دارد. [۶]

از این منظر، شنیدن قرآن در سال‌های آغازین زندگی، صرفاً انتقال کلمات نیست؛ بلکه می‌تواند همان نقش لایلی و ضربان قلب را ایفا کند: صدایی آشنا، تکرارشونده و ریتمیک که در دل و مغز کودک حک می‌شود. قرآن یادآور می‌شود:



(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (سوره رعد، آیه ۲۸). این همان «صدای امن» است که می‌تواند از نخستین روزها با تجربه عاطفی و شناختی کودک گره بخورد.

پرسش اصلی این پژوهش/نوشتار آن است: چگونه می‌توان این تجربه شنیداری-هیجانی را چنان سامان داد که کودک نه تنها با قرآن آشنا شود، بلکه آن را به مثابه منبع امنیت و آرامش تجربه کند؟ با تکیه بر همین منطق پیش‌بینی‌پذیری (ثبات، ریتم، تکرار و بافت امن والد-کودک)، در ادامه الگویی مرحله‌به‌مرحله ارائه می‌شود که بر پایه یافته‌های علوم اعصاب رشد، روان‌شناسی دلبستگی و آموزه‌های قرآنی طراحی شده است تا والدین بتوانند به صورت عملی این مسیر را در خانه پیاده‌سازی کنند.



هدف: ایجاد «صدای امنیت» از طریق مواجهه مکرر با اصوات آشنا و پایدار در بافت مراقبت.

نکته علمی:

از حدود هفته ۲۵ بارداری، سامانه شنوایی جنین به محرک‌های صوتی پاسخ می‌دهد. پس از تولد نیز مطالعات ترجیح شنیداری نشان داده‌اند که نوزاد صدای مادر را به سایر اصوات ترجیح می‌دهد. این پدیده نشانگر شکل‌گیری نوعی حافظه شنیداری پیش‌زادی و نقش آن در تنظیم هیجان و دلبستگی اولیه است (Fifer, ۱۹۸۰; Feldman, ۲۰۲۰).

توجه:

در این دوره، ظرفیت پردازش عصبی و آستانه تحمل تحریک محدود است؛ تحریک بیش‌ازحد می‌تواند به بی‌قراری و اختلال در تنظیم خودکار منجر شود. کیفیت تجربه، هم‌زمانی با تماس بدنی، و ثبات صدا، مهم‌تر از طول زمان تلاوت است.

پرسش‌های رایج:

اگر نوزاد حین تلاوت خوابید، ادامه بدهم؟
خیر؛ خوابیدن نشانگر فعال‌شدن سامانه پاراسمپاتیک و ورود به حالت تنظیم‌شده آرامش است. [۸] در این وضعیت، قطع ملایم تلاوت و حفظ سکوت می‌تواند به تثبیت این حالت کمک کند.

آیا صدای ضبط‌شده کفایت می‌کند؟

چارچوب مداخله و منطق طراحی الگوی هفت‌روزه

الگوی پیشنهادی حاضر، نه یک برنامه آموزش زبانی زودهنگام، بلکه یک چارچوب مداخله شنیداری-هیجانی مبتنی بر تنظیم عصبی و نظریه دلبستگی است. هدف اصلی این الگو، ایجاد یک پیوند تنظیمی ایمن میان صدای تلاوت و حالت‌های آرامش و حضور عاطفی والدین در سال نخست زندگی است؛ دوره‌ای که نظام‌های تنظیم هیجان و دلبستگی در یکی از حساس‌ترین مراحل تحول خود قرار دارند.

تقسیم‌بندی سنی (۰-۳، ۳-۶، ۶-۹ و ۹-۱۲ ماه) بر پایه مراحل شناخته‌شده تحول توجه، تعامل صوتی و تنظیم هیجان در نوزادی انجام شده است. در هر مرحله، مدت تلاوت، شیوه اجرا و نوع تعامل به‌گونه‌ای تنظیم شده که با ظرفیت پردازش عصبی و سطح بلوغ تعامل صوتی-اجتماعی کودک هم‌خوان باشد و از تحریک بیش‌ازحد پیشگیری کند. [۷]

افزودن بخش «پرسش‌های رایج والدین» با هدف پیوند دادن شواهد علمی با نگرانی‌های عملی خانواده‌ها انجام شده است، به‌گونه‌ای که والدین بتوانند این الگو را نه به‌صورت دستورالعملی خشک، بلکه به‌مثابه بخشی طبیعی از رابطه عاطفی روزمره به‌کار گیرند.

مرحله به مرحله (۰ تا ۱۲ ماه) + پرسش‌های رایج والدین مرحله به مرحله ۰-۳ ماه

روش: تلاوت بسیار کوتاه (۳۰-۶۰ ثانیه) با لحنی شبیه لالایی، در حالی که نوزاد در تماس پوستی و آغوش والد قرار دارد.

نکته علمی:

در این دوره، نوزاد وارد مرحله «گفت‌وگوی ابتدایی» می‌شود. الگوی تبدلات صوتی کوتاه و نوبتی میان نوزاد و والدین که زیربنای رشد زبان و شکل‌گیری دلبستگی عاطفی را فراهم می‌کند. نوروساینس رشد (علوم اعصاب رشد) نشان داده است که این تعاملات با افزایش هم‌زمانی عصبی در شبکه‌های پیشانی-گیجگاهی و مدارهای تنظیم هیجان همراه است (Trevvarthen, ۲۰۱۱; Feldman, ۲۰۲۰).

توجه:

زمان توجه پایدار در این سن محدود است (معمولاً چند دقیقه). حساسیت والدین به علائم خستگی، اشباع یا روی‌گردانی کودک، عاملی کلیدی در تنظیم تعامل و پیشگیری از تحریک بیش‌ازحد محسوب می‌شود.

پرسش‌های رایج:

اگر کودک واکنشی نشان ندهد و فقط نگاه کند، نشانه مشکل است؟

خیر؛ در بسیاری موارد، نگاه آرام و سکوت نشانه پردازش درونی محرک است. در این مرحله، سکوت نیز بخشی از مکالمه ابتدایی و تنظیم متقابل محسوب می‌شود.

آیا باید معنای آیات را توضیح داد؟

خیر؛ در این سن، پردازش معنایی زبانی هنوز شکل نگرفته است. آنچه بیشترین نقش را دارد، ویژگی‌های آکوستیک-هیجانی صدا (زیر و بم، کشش، آهنگ و ریتم) و بافت عاطفی همراه آن است.

اگرچه صداهای ضبط‌شده نیز می‌توانند اثر آرام‌بخش داشته باشند، اما صدای زنده والدین، افزون بر ورودی شنیداری، ورودی‌های لمسی-ویراتوری (ارتعاش قفسه سینه)، بویایی و نشانه‌های هیجانی چهره را نیز هم‌زمان فعال می‌کند و در نتیجه شبکه‌های چندحسی مغز را غنی‌تر و یادگیری تداعی‌گر را پایدارتر می‌سازد.

مرحله به مرحله ۳-۶ ماه



روش: تلاوت ۱-۲ دقیقه‌ای با تغییر ملایم در زیروبم و آهنگ. واکنش‌های کودک (لبخند، حرکات بدنی، صداهای غان‌وغون) باید به مثابه بخشی از تعامل دریافت و پاسخ داده شوند.

هدف: قرآن به مثابه «گفت‌وگوی عاطفی»؛ یعنی شکل‌گیری تبادل هیجانی دوطرفه و پیوند شنیداری-هیجانی پایدار.



مرحله به مرحله ۶-۹ ماه

روش: فرصت دهید کودک ارتعاش صدای والد را در قفسه سینه او لمس کند؛ در صورت نیاز، می‌توان از یک بلندگوی کوچک به عنوان جایگزین ثانویه استفاده کرد. زمان تلاوت بهتر است ثابت باشد (مثلاً هر عصر).

هدف: قرآن به مثابه «تجربه چندحسی»؛ یعنی ادغام شنیداری-سوماتوسنسوری در بافت تعامل عاطفی.

نکته علمی:

در این دوره، سامانه‌های چندحسی به‌طور فعال وارد مرحله بلوغ و سازمان‌یابی می‌شوند. نواحی گیجگاهی-جداری و قشر سوماتوسنسوری به تدریج در یکپارچه‌سازی ورودی‌های شنیداری و لمسی نقش برجسته‌تری می‌یابند. از منظر «افزونگی بین‌حسی»، هم‌زمانی ورودی‌های شنیداری-لمسی می‌تواند توجه را به ویژگی‌های مشترک رویداد (مانند ریتم و شدت) هدایت کند و در نتیجه، یادگیری، رمزگذاری حافظه و بار هیجانی مثبت تجربه را پایدارتر سازد. [۹]

توجه: ثبات در زمان‌بندی تجربه (روتین) به مغز کودک امکان پیش‌بینی می‌دهد، و پیش‌بینی‌پذیری یکی از سازوکارهای شناخته‌شده کاهش اضطراب و تقویت حس امنیت در اوایل رشد است.

پرسش‌های رایج:

اگر کودک دهان والد را لمس کرد یا صدا را قطع کرد، آیا این رد کردن است؟

خیر؛ این رفتار نشانه جست‌وجوی حسی و مشارکت فعال است. توقف کوتاه و از سرگیری مجدد تجربه می‌تواند حس کنترل و تنظیم مشترک را در کودک تقویت کند.

آیا استفاده از اسپیکر به جای صدای زنده کافی است؟

اسپیکر می‌تواند ورودی شنیداری را فراهم کند، اما فقدان ارتعاش زنده و نشانه‌های تعاملی بین فردی (تماس چشمی، تماس بدنی، تغییرات هیجانی چهره) سبب می‌شود اثر تنظیمی آن معمولاً کمتر از صدای والد باشد.

مرحله به مرحله ۹-۱۲ ماه

روش: تلاوت ۲-۴ دقیقه‌ای پیش از خواب، همراه با حرکت‌های ریتمیک ساده (مانند تکان آرام یک عروسک یا ضربه نرم دست‌ها).

هدف: ادغام قرآن در «روتین خواب» کودک به منزله یک نشانه شرطی‌شده برای فعال‌سازی فرایندهای آرام‌ساز عصبی.

نکته علمی:

پژوهش‌های خواب نشان داده‌اند که روتین‌های منظم پیش از خواب با کاهش برانگیختگی پیش از خواب و تقویت فرایندهای تنظیمی مرتبط با آرام‌سازی، منجر به شروع سریع‌تر خواب و ثبات بیشتر چرخه‌های شبانه‌روزی می‌شوند (Mindell & Williamson, ۲۰۱۸). در این سن، شبکه‌های پیش‌پیشانی-گیجگاهی در حال تکامل‌اند و به نشانه‌های پیش‌بینی‌پذیر حساسیت بیشتری نشان می‌دهند؛ از این رو، روتین ثابت می‌تواند به تثبیت یادگیری وابسته به بافت و تقویت پیوند میان نشانه‌های شنیداری و حالت‌های آرامش کمک کند.

توجه:

هر کودک ریتم شبانه‌روزی منحصر به فردی دارد که بازتابی از تفاوت‌های فردی در تکامل سامانه شبانه‌روزی است. از این رو، والدین باید رویکردی انعطاف‌پذیر اتخاذ کنند و در صورت مشاهده آرامش بیشتر کودک در ساعاتی غیر از شب، همان بازه زمانی را به عنوان نشانه ثابت و پایدار انتخاب نمایند.



پرسش‌های رایج:

اگر کودک حین تلاوت بازیگوش شد، ادامه بدهم؟ رفتارهای حرکتی یا بازیگوشی در این سن بخشی از تکامل «خودتنظیمی رفتاری» هستند. والدین می‌توانند با استفاده از یک نشانه حرکتی-دیداری ساده (مانند تکان دادن عروسک) توجه را بازگردانند و سپس تلاوت را ادامه دهد. این فرایند به مغز کودک می‌آموزد میان برانگیختگی و آرامش جابه‌جا شود.

آیا طولانی‌تر خواندن مفیدتر است؟

خیر؛ شواهد رشد نشان داده‌اند که ثبات و پیش‌بینی‌پذیری اثر بیشتری بر نظام‌های تنظیم خواب دارند تا طولانی‌کردن مدت تحریک شنیداری (Mindell & Williamson, ۲۰۱۸).

تفاوت‌های دختر و پسر در نوزادی

پژوهش‌های عصب‌شناسی رشد نشان می‌دهند که برخی تفاوت‌های میانگین جنسیتی در ساختار و کارکرد مغز می‌تواند از همان بدو تولد مشاهده شود؛ با این حال، این اثرها معمولاً کوچک تا متوسط‌اند و همپوشانی گسترده‌ای میان افراد وجود دارد، بنابراین نباید به قوانین قطعی برای هر کودک تعبیر شوند. [۱۰] داده‌های تصویربرداری ساختاری نشان داده‌اند که تفاوت‌هایی در برخی شاخص‌های مورفولوژیک مغز در بدو تولد وجود دارد و بخشی از آن‌ها در ماه‌های نخست نیز نسبتی از ثبات را حفظ می‌کنند (Khan et al, ۲۰۲۴).

از منظر کارکردی، مطالعات مبتنی بر تصویربرداری fNIRS در حالت استراحت، یعنی زمانی که نوزاد در خواب یا بدون انجام تکلیف خاصی قرار دارد و الگوهای فعالیت خودبه‌خودی مغز

ثبت می‌شوند-گزارش کرده‌اند که الگوهای اتصال و فعالیت شبکه‌ای در ماه‌های نخست زندگی می‌تواند میان دختران و پسران تفاوت‌هایی نشان دهد. برای نمونه، در شیرخواران چهارماهه در حالت خواب، تفاوت‌هایی در شبکه پیشانی-جداری که با کنترل توجه و تنظیم شناختی مرتبط است، و شبکه حسی-حرکتی که در پردازش حرکت و حس‌های بدنی نقش دارد، مشاهده شده است. [۱۱]

در حوزه پردازش گفتار نیز، شواهد fMRI و fNIRS نشان داده‌اند که هر دو جنس به گفتار حساس‌اند، اما الگوهای جانبی‌شدن و توزیع نیمکره‌ای به‌طور میانگین می‌تواند متفاوت باشد؛ به‌گونه‌ای که در برخی نمونه‌ها، دختران گرایش چپ‌گراتر و پسران الگوی دوطرفه‌تری نشان داده‌اند. [۱۲]

توصیه عملی (با تکیه بر شواهد، بدون قطعی‌سازی):

-اگر کودک به تغییرات لحن و آهنگ صدا حساس‌تر واکنش نشان می‌دهد، از تغییرات لطیف پرسودیک (کشش نرم، افت‌وخیز ملایم، ریتم آرام) استفاده کنید؛ این کار با سازوکارهای پردازش گفتار و شبکه‌های زبان مرتبط در اوایل رشد همسو است (Hu et al, ۲۰۲۴; Alexopoulos et al, ۲۰۲۲).

-اگر کودک به ورودی‌های حرکتی-لمسی پاسخ قوی‌تری می‌دهد، تلاوت را با حرکت‌های ریتمیک بسیار ملایم یا تماس بدنی تنظیم‌گر همراه کنید؛ این رویکرد با نقش شبکه حسی-حرکتی در پردازش هم‌زمان حرکت و حس‌های بدنی و نیز با تفاوت‌های میانگین گزارش‌شده در الگوهای شبکه‌ای اولیه هم‌خوان است و می‌تواند به تنظیم بهتر هیجان و افزایش مشارکت کودک کمک کند. (Wang et al, ۲۰۲۳)



نزدیک‌سازی واجی است و نباید فوراً اصلاح شود.

پرسش‌های رایج:

اگر کودک فقط نگاه کند و چیزی نگوید؟
نگاه فعال بخشی از یادگیری آماری است؛ یعنی کودک از طریق توجه بصری و شنیداری به الگوهای تکرارشونده در محیط، بدون نیاز به پاسخ کلامی فوری، ساختارهای زبانی و معنایی را به‌تدریج در مغز خود ذخیره و تثبیت می‌کند [۱۵]

آیا باید معنای واژه‌ها را توضیح بدهم؟
توضیح عاطفی-بنیادی («الله یعنی خدای مهربان») کافی است؛ پردازش مفهومی عمیق هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است. [۱۶]

مرحله به مرحله ۱۸-۲۴ ماه

روش: تلاوت ۲-۳ دقیقه‌ای همراه با قصه کوتاه (۳-۲ جمله). مثلاً: «حضرت نوح (ع) حیوان‌ها را سوار کشتی کرد. باران آمد. کشتی روی آب رفت.»
کودک را تشویق کنید با اشاره یا تقلید صدا واکنش نشان دهد.
هدف: قرآن به‌مثابه «بازی نمادین» و ورود به تخیل اجتماعی.

نکته علمی:

پژوهش‌های معاصر رشد شناختی نشان داده‌اند که در این بازه سنی، کودکان به‌تدریج وارد مرحله بازی نمادین می‌شوند؛ شکلی از فعالیت شناختی که نقش مهمی در رشد کارکردهای اجرایی، انعطاف شناختی و شکل‌گیری توانایی ذهن‌خوانی ایفا می‌کند. [۱۷]
از منظر نوروساینس رشد، مطالعات تصویربرداری نشان داده‌اند که در خلال بازی نمادین، شبکه‌های پیش‌پیشانی و تمپورال-پاریتال به‌طور هم‌زمان فعال می‌شوند؛ شبکه‌هایی که با کنترل شناختی،

یادآوری مهم:

این تفاوت‌ها صرفاً الگوهای میانگین‌اند. هر کودک پروفایل عصبی-هیجانی یکتای خود را دارد؛ بنابراین والدین باید از طریق مشاهده واکنش‌های اختصاصی فرزند، تجربه قرآنی را شخصی‌سازی کنند (Khan et al, ۲۰۲۴).

مرحله به مرحله ۱۲-۱۸ ماه

روش: تلاوت ۱-۲ دقیقه‌ای با واژه‌های ساده. اجازه دهید کودک یک واژه کوتاه (مانند «الله») را تکرار کند یا یک حرکت ساده (مانند دست‌زدن) انجام دهد.

هدف: ورود به مشارکت فعال؛ قرآن به‌مثابه بخشی از توجه مشترک و تقلید اجتماعی.

نکته علمی:

در این بازه، کودکان وارد مرحله تولید واژه‌های اولیه می‌شوند. پژوهش‌های رشد زبان نشان داده‌اند که تقلید کلامی و توجه مشترک، زیربنای شکل‌گیری واژگان‌اند و با فعال‌شدن شبکه‌های زبانی پیشانی-گیجگاهی مرتبط‌اند. [۱۳]
همچنین، مطالعات fNIRS و EEG نشان داده‌اند که تعامل والد-کودک با هم‌زمانی عصبی دوطرفه همراه است؛ سازوکاری که به تثبیت یادگیری زبانی و تنظیم هیجان کمک می‌کند. [۱۴]

توصیه عملی:

-مدت توجه متمرکز در این سن معمولاً ۱-۳ دقیقه است. توقف به‌موقع از بیش‌تحریکی پیشگیری می‌کند.
-تکرار کند و شمرده یک واژه برجسته («الله») موجب تقویت مسیرهای آوایی می‌شود.
-واژه‌های ساده حسی-هیجانی (نور، سلام، آب) برای فعال‌سازی حافظه معنایی اولیه مناسب‌اند.
-اگر کودک واژه را تغییر دهد، این بخشی از فرایند



هیجانی کودک کمک می‌کند.
 انعطاف: اجبار تجربه را به استرس تبدیل می‌کند؛
 انعطاف در طول و نحوه تلاوت موجب تداوم
 علاقه درونی می‌شود.
 ایمنی صدا: هدفون به دلیل فشار مستقیم
 آکوستیک برای نوپا توصیه نمی‌شود. شدت صدا
 باید در محدوده ۴۰-۵۰ دسی‌بل باقی بماند. [۱۸]

شاخص‌های مشاهده والدین

۱. تماس چشمی در حین تلاوت (نشانه شکل‌گیری توجه مشترک).
 ۲. تقلید صدا یا ژست (نشانه یادگیری تقلیدی).
 ۳. اشاره به تصویر یا شیء مرتبط با قصه (نشانه ارجاع نمادین).
 ۴. درخواست تکرار قصه یا بخش‌هایی از آن (نشانه شکل‌گیری حافظه روایی نوپا)
- مشاهده ۲-۳ علامت در هفته، نشانگر رشد طبیعی مشارکت است.
 جمله الهام‌بخش: «
 برای کودک نوپا، قرآن هنگامی شیرین می‌شود که در قالب بازی، قصه و تقلید وارد تجربه روزانه او گردد.»
 جمله انتقالی:

با نزدیک شدن به دوسالگی، واژگان کودک افزایش می‌یابد و بازی‌های نمادین پیچیده‌تر می‌شوند؛ از همین‌جا در بخش بعدی (۲ تا ۴ سال)، قصه‌ها داستانی‌تر و مشارکت کلامی کودک فعال‌تر خواهد بود.

مرحله به مرحله ۲-۳ سال

روش: تلاوت ۳-۴ دقیقه‌ای همراه با قصه ساده قرآنی (۴-۵ جمله). از کودک خواسته می‌شود یک واژه کلیدی (مثل «خورشید» یا «ستاره») را تکرار کند

پردازش اجتماعی و بازنمایی ذهنی حالات دیگران مرتبطاند (Walker & Gopnik, ۲۰۲۲). این یافته‌ها نشان می‌دهد که بازی نمادین نه صرفاً یک فعالیت تفریحی، بلکه بستری کلیدی برای سازمان‌یابی شبکه‌های اجتماعی-شناختی مغز در سال‌های آغازین زندگی است.

توصیه عملی:

- قصه‌ها باید کوتاه و ساختاریافته باشند؛ تکرار منظم موجب تقویت تثبیت حافظه روایی می‌شود.
- پرسش‌های ساده هدایتگر («ماهی کجاست؟») به کودک امکان مشارکت در قالب اشاره یا صدا را می‌دهند.
- ترکیب قصه با شیء ملموس (عروسک یا تصویر) ادغام حسی-ادراکی را تقویت می‌کند.

پرسش‌های رایج:

- اگر کودک وسط قصه به چیز دیگری مشغول شد؟
 طبیعی است؛ توجه در این سن هنوز ناپایدار است. والدین می‌توانند بعداً قصه را از همان نقطه ادامه دهند.
- آیا لازم است قصه دقیق از قرآن خوانده شود؟
 خیر؛ بیان ساده مضمون کافی است. آنچه اهمیت دارد پیوند هیجانی و نمادین است، نه بازخوانی لفظی کامل.

نکته تکمیلی:

ثبات زمانی: روتین ثابت با هم‌زمان‌سازی بهتر سامانه شبانه‌روزی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری محیط، به تقویت احساس امنیت و تنظیم





یا به تصویر اشاره نماید.

هدف: قرآن = «داستان همراه با نامیدن»؛ مشارکت کودک در نامیدن بخشی از تعامل زبانی و توجه مشترک.

نکته علمی: این سن مقطع «انفجار واژگانی» است؛ دایره لغات کودکان طی چند ماه به شدت گسترش می‌یابد. [۱۹] پردازش زبانی در نواحی بروکا و ورنیکه شتاب می‌گیرد و نامیدن اشیاء، مسیرهای عصبی آوایی-معنایی را تثبیت می‌کند. مطالعات مبتنی بر ردیابی حرکات چشم نشان داده‌اند که همزمانی اشاره کودک به تصویر با شنیدن واژه، فرایند رمزگذاری و تثبیت حافظه معنایی را تقویت می‌کند.

توصیه عملی:

- قصه را کوتاه و ساختاری تکراری داشته باشید؛ تکرار پیش‌بینی‌پذیری ایجاد می‌کند.
- استفاده از تصویر یا کارت تصویری برای واژه‌های کلیدی، ادغام دیداری-شنیداری را تقویت می‌کند.
- انتخاب یک «واژه محوری» برای هر جلسه باعث تثبیت سریع‌تر حافظه واژگانی می‌شود.
- زمان توجه پایدار در این سن ۳-۵ دقیقه است؛ نشانه‌های خستگی را جدی بگیرید.

پرسش‌های رایج:

اگر کودک فقط گوش داد و نگفت، آیا یادگیری اتفاق افتاده است؟
بله؛ شنیدن فعال بخشی از یادگیری آماری است. مغز کودک از طریق مواجهه مکرر با الگوهای شنیداری، ساختارهای صوتی و زبانی را به صورت تدریجی رمزگذاری می‌کند، حتی در غیاب تولید کلامی آشکار.

آیا باید همه جزئیات قصه قرآنی را بگویم؟

خیر؛ ساده‌سازی همراه با تأکید بر پیام توحیدی، همسو با ظرفیت پردازش شناختی در این سن است.

مرحله به مرحله ۳-۴ سال

روش: تلاوت ۴-۵ دقیقه‌ای همراه با قصه کوتاه ولی داستانی‌تر (۵-۷ جمله). کودک تشویق می‌شود نقش یکی از شخصیت‌ها را از طریق صدا یا حرکت تقلید کند.
- وقتی می‌گویید: «برادرها حضرت یوسف (ع) را در چاه انداختند».

از کودک بخواهید دستش را بالا ببرد و بگوید: «نه!» (یعنی واکنش احساسی به ظلم).

- وقتی می‌گویید: «کاروان آمد و حضرت یوسف (ع) را از چاه بیرون کشید».

کودک می‌تواند با حرکت دست نشان دهد که چیزی را بالا می‌کشد.

- وقتی می‌گویید: «کاروان او را به شهر برد».

کودک می‌تواند قدم‌های نمایشی بردارد یا بگوید: «بریم!»

- وقتی می‌گویید: «خدا حضرت یوسف (ع) را تنها نگذاشت».

کودک می‌تواند دست روی قلبش بگذارد و بگوید: «خدا با حضرت یوسف بود».

هدف: قرآن = «قصه تصویری»؛ کودک با ایفای نقش بخشی از داستان، تجربه‌ای جسمانی-شناختی از متن قرآنی پیدا می‌کند.

نکته علمی:

در این سن، بازی نمایشی به اوج می‌رسد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ایفای نقش با تقویت کارکردهای اجرایی (مانند کنترل مهاری و انعطاف‌پذیری شناختی)، بهبود تنظیم هیجان و رشد تدریجی همدلی همراه است. (Lillard, ۲۰۱۷; Walker & Gopnik, ۲۰۲۲). همچنین نوروساینس رشد نشان داده است که فعالیت در قشر پیش‌پیشانی و شبکه تمپورال-پاریتال در این نوع بازی افزایش می‌یابد؛ نواحی‌ای که با «نظریه ذهن» پیوند دارند.

توصیه عملی:

- ساختار قصه تکراری و قابل پیش‌بینی باشد تا حافظه روایی تقویت شود.

- اجازه دهید کودک انتخاب کند کدام بخش داستان را اجرا کند؛ این آزادی، انگیزش درونی را افزایش می‌دهد.

- استفاده از عروسک دستی یا وسیله ساده (مثل پارچه به عنوان «چاه») تجربه‌های چندحسی ایجاد می‌کند.

- مدت توجه معمولاً ۶-۷ دقیقه است؛ والد باید به نشانه‌های اشباع توجهی حساس باشد.

پرسش‌های رایج:

اگر کودک وسط قصه به موضوع دیگری اشاره کرد (مثلاً ماشین اسباب‌بازی)، آیا این حواس‌پرتی است؟

خیر؛ این بخشی از تداعی آزاد در رشد شناختی است. والد می‌تواند برای لحظه‌ای واکنش نشان دهد و سپس کودک را به خط قصه برگرداند؛ این کار مهارت تغییر توجه را تقویت می‌کند.

آیا خواندن متن آیه لازم است یا بازگویی کافی است؟

بهترین روش، ترکیب است: خواندن یک آیه یا کلیدواژه کوتاه («و قال یا بنی...») و سپس بازگویی قصه به زبان کودکانه. این ترکیب هم حافظه زبانی و هم فهم معنایی اولیه را فعال می‌کند.

نکات تکمیلی

- ثبات: تکرار تجربه در زمان و مکان ثابت با تقویت سامانه شبانه‌روزی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری محیط، به شکل‌گیری حس امنیت در کودک کمک می‌کند.

- انعطاف: اجبار تجربه معنوی را به استرس تبدیل می‌کند. یادگیری پایدار با لذت و آزادی همراه است.





قوانین قطعی.

دختران: معمولاً زودتر وارد استفاده از واژگان هیجانی می‌شوند. مطالعات fMRI و ERP نشان داده‌اند که پردازش (لحن و آهنگ گفتار) در دختران فعالیت بیشتری در قشر گیجگاهی-پیشانی ایجاد می‌کند. [۲۰] این امر سبب می‌شود که به تغییرات لحن و شدت صدا حساس‌تر باشند و زودتر احساسات را در زبان بازتاب دهند.

پسران: واکنش بیشتری به نشانه‌های دیداری-حرکتی و صداها قوی دارند. رشد سریع‌تر شبکه‌های حسی-حرکتی و یکپارچگی شنیداری-حرکتی در این سن باعث می‌شود توجهشان بیشتر با اشیای قابل لمس، حرکات‌های بدنی و تقلید صدا جلب شود. [۲۱]

پیوند رشدی با قرآن

برای دختران:

در قصه ابراهیم و ستاره‌ها، یکبار واژه «ستاره» را با لحن آرام و بار دیگر با لحن هیجانی بیان کنید. این تغییر در منحنی آهنگ گفتار به تمرین حساسیت کودک نسبت به موسیقی گفتار کمک می‌کند. سپس پرسید: «ابراهیم خوشحال بود یا غمگین؟» این پرسش، شبکه‌های مرتبط با نام‌گذاری هیجان را فعال می‌سازد.

برای پسران:

در قصه حضرت نوح، هنگام گفتن «کشتی روی آب رفت»، یک قایق کوچک را روی میز حرکت دهید و از کودک بخواهید با دستش موج بسازد. این تجربه هم‌زمان دیداری-حرکتی، قشرهای حرکتی-جداری و شنوایی را به‌طور هم‌افزا درگیر می‌کند و به تعمیق درک روایی می‌انجامد.

- ایمنی صدا: شدت صدا باید کمتر از ۵۰ دسی‌بل باشد (مطابق توصیه WHO برای خردسالان). استفاده از هدفون همچنان ممنوع است.

شاخص‌های مشاهده رشد

۱. تکرار واژه قرآنی؛
۲. اشاره به تصویر یا شیء مرتبط با قصه؛
۳. تقلید صدا یا حرکت شخصیت؛
۴. درخواست تکرار قصه یا بخش‌هایی از آن.

راهنمای تفسیر:

مشاهده ۲ تا ۳ شاخص در طول یک هفته نشان‌دهنده درگیری سالم شناختی-هیجانی کودک با تجربه روایی-زبانی است.

جمله الهام‌بخش: «برای کودک خردسال، قرآن وقتی زنده می‌شود که از یک متن شنیدنی به تجربه‌ای برای بازی، نقش و تخیل تبدیل گردد.»

جمله انتقالی: با ورود به چهارسالگی، کودک نه تنها واژگان گسترده‌تری خواهد داشت، بلکه توانایی روایت ساده نیز پدیدار می‌شود؛ از اینجا به بعد (۴-۶ سال)، می‌توان او را در بازگویی قصه‌ها شریک ساخت و به تدریج به‌سوی گفت‌وگو درباره مفاهیم اخلاقی ساده حرکت کرد.

تفاوت‌های دختر و پسر (۲ تا ۴ سال)

نکته علمی:

پژوهش‌های عصب‌شناسی رشد نشان می‌دهند که در بازه ۲ تا ۴ سال، تفاوت‌های میانگین کوچکی میان دختران و پسران در پردازش صدا، زبان و حرکت وجود دارد. این تفاوت‌ها بازتابی از رشد ناهمگام شبکه‌های عصبی-حسی‌اند، نه



و پیش‌بینی‌پذیری محیط، بار حسی را کاهش می‌دهد. حتی مشارکت غیرکلامی (مثل نگاه یا لبخند) نشانهٔ پردازش مشترک است.

توصیهٔ عملی برای والدین برای دختران:

از دیالوگ‌های سادهٔ احساسی استفاده کنید («حضرت ابراهیم گفت: من خدا را دوست دارم»).

برای پسران:

از ژست‌های بدنی و صداهاى نمایشی بهره ببرید. برای مثال، در قصهٔ نوح، هنگام گفتن «باران شروع شد» سپس هنگام گفتن «آب بالا اومد»، دست‌ها را به آرامی از پایین به بالا حرکت دهید، و وقتی می‌گویید «کشتی روی آب رفت»، کف دست را مثل قایق روی هوا یا میز حرکت دهید. این توالی سادهٔ صدا + حرکت به کودک کمک می‌کند روایت را نه فقط بشنود، بلکه با بدنش تجربه کند.

برای خانواده‌های دوزبانه:

در هر جلسه فقط یک واژهٔ محوری قرآنی را انتخاب کنید و همان واژه را با معادل آن در زبان دیگر کودک پیوند دهید؛ برای مثال، واژهٔ «نور» را هم‌زمان با گفتن light (یا معادل زبان دوم) و اشاره به منبع نور بیان کنید. از معرفی بیش از یک واژه در هر جلسه پرهیز کنید تا بار شناختی کودک افزایش نیابد.

بدون کلیشه: این تفاوت‌ها نباید به قالب‌های جنسیتی تبدیل شوند؛ دختران هم از حرکت لذت می‌برند و پسران هم از دیالوگ.

ابعاد شناختی-زبانی

-در این سن، کودکان تازه به ساختن جمله‌های ساده روی می‌آورند و می‌توانند رویدادهای کوتاه را در قالب روابط علت-معلولی به هم پیوند دهند. پرسش‌های سادهٔ علی (مانند: «چرا کشتی حرکت کرد؟» «چون روی آب بود») به تقویت استدلال علی و حافظهٔ روایی کمک می‌کند.

تفاوت‌های هیجانی

دختران: به‌طور میانگین زودتر احساسات را با واژه‌ها نام‌گذاری می‌کنند («غمگین»، «خوشحال»).

پسران: هیجان را بیشتر از مسیرهای بدنی بیان می‌کنند (خندهٔ بلند، حرکت دست، فریاد شادی). این تفاوت‌ها بازتاب ناهمگامی رشدی در شبکه‌های لیمبیک-حرکتی است.

یادآوری برای والدین:

هر دو الگوی بیان هیجان معتبرند. پیوند دادن این واکنش‌ها با تجربهٔ قرآنی - چه زبانی و چه بدنی - به غنای تنظیم هیجانی و درک روایت کمک می‌کند.

حساسیت‌های ویژه (اوتیسم و تفاوت‌های فردی) برخی کودکان، به‌ویژه در طیف اوتیسم یا با حساسیت شنیداری/لمسی، ممکن است نسبت به صداهاى بلند، حرکات ناگهانی یا تماس بدنی واکنش منفی نشان دهند. توصیهٔ علمی: استفاده از ریتم آرام، تصاویر ساده



یادآوری علمی: این تفاوت‌ها «میانگین‌های آماری» هستند، نه قواعد قطعی. آنچه اهمیت دارد مشاهده فردی کودک است. مغز هر کودک مسیر رشد ویژه خود را دارد؛ تجربه قرآنی باید براساس همان مسیر شخصی‌سازی شود.

مرحله به مرحله ۴-۵ سال

روش: تلاوت ۳-۵ دقیقه‌ای همراه با قصه کوتاه (۷-۵ جمله). اگر قصه بلند بود، آن را به دو بخش تقسیم کنید.

مثال: قصه موسی در نیل: «مادر موسی او را در سبد گذاشت. سبد روی آب رفت.»
هدف: قرآن = «قصه مشارکتی»؛ کودک بخشی از داستان را بازگو یا نمایش می‌دهد و وارد فرایند بازگویی تعاملی قصه می‌شود.

نکته علمی: در این بازه سنی، کودکان وارد مرحله «مهارت‌های قصه‌گویی ابتدایی» می‌شوند. پژوهش‌های رشد روایت نشان داده‌اند که کودکان می‌توانند رویدادهای متوالی را بازگو کنند، حتی اگر جزئیات را تغییر دهند. [۲۲] در سطح عصبی، مشارکت کودک در روایت با افزایش فعالیت در شبکه‌های پیش‌پیشانی-تمپورال همراه است؛ شبکه‌هایی که در حافظه روایی، سازمان‌دهی زبانی و پیوند دادن رویدادها در توالی زمانی نقش دارند. بازگویی بخشی از داستان، به‌ویژه زمانی که کودک در انتخاب صحنه مشارکت دارد، موجب تقویت مهارت‌های اجرایی، حافظه کاری و انسجام زمانی روایت می‌شود.

توصیه‌های عملی:

- قصه را به بخش‌های کوتاه و مجزا تقسیم کنید تا کودک بتواند هر بخش را به‌صورت جداگانه

پردازش کند و بار شناختی کاهش یابد.
-از کودک بخواهید تنها یک صحنه مشخص را بازگو کند (برای مثال: «سبد روی آب رفت»)، نه کل داستان؛ این کار تمرکز روایی را افزایش می‌دهد.
-اگر روایت کودک نادقیق یا متفاوت بود (مانند «موسی رفت خانه»)، این بخشی از فرایند بازسازی تخیلی است. اصلاح مستقیم ضروری نیست؛ بازگویی آرام روایت درست توسط والد کفایت می‌کند.

-توجه پایدار در این سن معمولاً حدود ۶ تا ۸ دقیقه است. آگاهی والد از نشانه‌های افت توجه (مانند بی‌قراری حرکتی یا تغییر مکرر نگاه) به پایان‌بندی به‌موقع قصه کمک می‌کند.

پیام عاطفی-ایمانی: پس از پایان قصه، یک جمله کوتاه و ایمن‌کننده بیان کنید؛ مانند: «خدا از حضرت موسی مراقبت کرد و او را تنها نگذاشت.» این تأکید به یکپارچگی هیجان و روایت کمک می‌کند.

پرسش‌های رایج:

اگر کودک تمایلی به بازگویی نداشت؟
شنیدن فعال نیز بخش مهمی از یادگیری است. مطالعات ERP نشان داده‌اند که حتی بدون بازگویی، مغز کودک الگوهای زبانی را رمزگذاری می‌کند.

اگر کودک قصه را تغییر داد (مثلاً گفت حضرت موسی با ماشین رفت!)؟

این رفتار نشانه رشد تخیل و تفکر واگرا است؛ کودک در حال ادغام تجربه شخصی خود با روایت شنیده‌شده و بازآفرینی آن در چارچوبی خلاقانه است؛ والد باید روایت اصلی را دوباره بازگو کند تا هر دو مسیر (تخیل + روایت واقعی) در حافظه تثبیت شوند.



که داستان‌ها و گفت‌وگوهای روایی مؤثرترین بستر برای شکل‌گیری این نوع استدلال‌اند، زیرا به کودک امکان می‌دهند نیت، کنش و پیامد را در قالبی قابل‌فهم و هیجانی تجربه کند. [۲۴]

در سطح عصب‌شناختی، مشارکت در قصه و پرسش‌های اخلاقی ساده با افزایش فعالیت در قشر پیش‌پیشانی میانی، قشر گیجگاهی-جداری و شبکه‌های همدلی همراه است؛ نواحی‌ای که با پردازش نیت دیگران، ارزیابی پیامدها و همدلی اجتماعی مرتبط هستند. [۲۵] بازگویی قصه، به تقویت حافظه روایی و انسجام زمانی کمک می‌کند و هم‌زمان، پاسخ به پرسش‌های اخلاقی باز، شبکه‌های استدلال اجتماعی-هیجانی را به‌طور تدریجی فعال می‌سازد.

-بازگویی قصه به کودک کمک می‌کند حافظه روایی و انسجام زمانی تقویت شود؛ هم‌زمان، پاسخ به پرسش‌های اخلاقی ساده، شبکه استدلال اجتماعی-هیجانی را فعال می‌کند.

توصیه عملی:

-پرسش‌ها ساده و باز باشند («به نظر تو قهرمان خوشحال بود یا غمگین؟»). این فرایند به تقویت توانایی درک دیدگاه دیگران کمک می‌کند. اگر کودک پاسخی غیرمنتظره ارائه داد (مانند «یوسف باید برادرهایش را می‌زد»)، وارد جدل نشوید؛ بازگویی دوباره روایت اصلی به تثبیت اسکرپیت اخلاقی کمک می‌کند.

همچنین، تقسیم قصه‌های طولانی به بخش‌های کوتاه‌تر موجب کاهش بار شناختی و حفظ کیفیت پردازش کودک می‌شود.

-توجه پایدار معمولاً ۸-۱۰ دقیقه است؛ افزایش زمان می‌تواند به افت کیفیت پردازش منجر شود. پیام عاطفی-ایمانی: بعد از قصه بگویید: «خدا به یوسف کمک کرد تا ببخشد». این پیوند هیجانی-معنوی باعث فعال‌سازی سیستم‌های پاداش اجتماعی می‌شود.

اگر کودک پرسید: «چرا باید قرآن بخوانیم؟» پاسخ ساده و عاطفی («چون قرآن قصه‌های زیبای خداست که به ما یاد می‌دهد مهربان باشیم و درباره زندگی چیزهای خوب یاد بگیریم») کافی است. در این سن، کودک وارد مرحله «پرسش‌های وجودی ابتدایی» می‌شود و پاسخ‌های کوتاه اما عاطفی-معنایی بهترین‌اند.

مثال عملی: هنگام گفتن «سبد روی آب رفت»، یک ظرف آب و عروسک نشان دهید. وقتی کودک سبد را حرکت می‌دهد، قشر حسی-حرکتی همراه با شبکه زبانی فعال می‌شود و تجربه چندحسی شکل می‌گیرد.

جمله انتقالی: با نزدیک شدن به ۶ سالگی، کودک توانایی بازگویی کامل‌تر و پرسش‌های علت-معلولی عمیق‌تر پیدا می‌کند؛ از اینجا به بعد می‌توان او را به گفت‌وگوی ساده درباره پیام‌های اخلاقی قصه‌های قرآن وارد کرد.

مرحله به مرحله ۵-۶ سال

روش: تلاوت ۴-۶ دقیقه‌ای همراه با یک قصه اخلاقی ساده (۷-۹ جمله). سپس یک پرسش اخلاقی باز پرسید: «چرا حضرت یوسف بخشید؟» یا «چرا حضرت نوح حیوان‌ها را نجات داد؟» درستی یا نادرستی پاسخ اهمیتی ندارد؛ هدف، آغاز گفت‌وگوی اخلاقی و تشویق کودک به بیان دیدگاه خود است.

هدف: قرآن = «قصه و گفت‌وگوی اخلاقی»؛ کودک وارد فرایند (استدلال اخلاقی) در سطح ابتدایی می‌شود و معنای ساده خوبی و بدی را با زبان خودش بیان می‌کند.

نکته علمی: در این سن، کودکان وارد مرحله‌ای می‌شوند که روان‌شناسی رشد آن را سطح ابتدایی استدلال اخلاقی پیش‌قراردادی می‌نامد؛ مرحله‌ای که در آن قضاوت‌های اخلاقی بیشتر بر نتایج ملموس، هیجان‌ها و نیت‌های ساده استوار است. [۲۳] پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند



پرسش‌های رایج:

اگر کودک پرسید: «چرا خدا اجازه داد سختی پیش بیاید؟»

این پرسش نشانه آغاز پرسشگری وجودی در کودک است؛ پاسخ کوتاه («خدا همیشه با ماست، حتی وقتی اتفاقات سختی پیش می‌آید») کفایت می‌کند. ورود به بحث فلسفی در این سن بار شناختی بیش از ظرفیت دارد. اگر کودک گفت قصه ترسناک بود (مثلاً چاه یوسف)؟

پذیرش و نام‌گذاری احساس کودک (مانند «بله، سخت بود») همراه با تأکید بر پایان امیدبخش روایت (مانند «خدا کمک کرد تا حضرت یوسف نجات پیدا کند») به تقویت تنظیم هیجان و کاهش اضطراب کمک می‌کند.

اگر کودک گفت قصه را دوست ندارد؟

اجبار کودک به تجربه منفی می‌تواند به شرطی‌سازی آزاردهنده منجر شود. در مقابل، انتخاب قصه جایگزین و حفظ اختیار کودک، آزادی و انگیزش درونی را تقویت می‌کند.

مثال عملی: هنگام گفتن «حضرت یوسف برادرها را بخشید»، پرسید: «تو اگر بودی، می‌بخشیدی؟» حتی اگر کودک پاسخ «نه» بدهد، همین تمرین شکلی ابتدایی از استدلال خلاف واقع است که به کودک امکان می‌دهد پیامدهای بدیل را تصور و ارزیابی کند.

نکات تکمیلی (۴ تا ۶ سال)

ثبات: تکرار تجربه در زمان و مکان ثابت با تقویت سامانه شبانه‌روزی و ایجاد شرطی‌سازی مثبت، به پیوند پایدار کودک با متن قرآنی و افزایش حس امنیت کمک می‌کند.

انعطاف: اگر کودک روایت را به بازی یا بازآفرینی نمایشی بکشد، این امر نشانه بازاجرای روایی

است. اجازه دهید این فرایند رخ دهد و بازگویی روایت را به زمان مناسب‌تری موکول کنید؛ این انعطاف به حفظ انگیزش درونی و تعمیق درگیری شناختی-هیجانی کمک می‌کند.

شاخص‌های مشاهده والد:

۱. بازگویی بخشی از قصه.

۲. پرسش یا اظهار نظر اخلاقی ساده.

۳. بازآفرینی قصه در بازی آزاد.

۴. ساختن قصه جدید مشابه قصه شنیده شده.

مشاهده ۲-۳ مورد در هفته نشان‌دهنده تثبیت تجربه است.

جمله الهام‌بخش: «برای کودک پیش‌دستانی، قرآن زمانی جان می‌گیرد که از قصه‌ای شنیدنی به گفت‌وگویی درباره دوستی، بخشش و امید تبدیل شود؛ جایی که تخیل و اخلاق درهم‌تنیده می‌شوند.»

جمله انتقالی: با ورود به ۶ سالگی و آغاز مدرسه، ظرفیت‌های زبانی و شناختی کودک گسترش می‌یابد. از این مرحله به بعد (۶ تا ۹ سال)، گفت‌وگوها می‌توانند از سطح «خوب یا بد» به سطح «چرا خوب یا بد» حرکت کنند و به شکل‌گیری استدلال اخلاقی پیچیده‌تر منجر شوند.

تفاوت‌های دختر و پسر (۴ تا ۶ سال)

یادآوری علمی: تفاوت‌های جنسیتی در این سن کوچک و میانگین‌اند، با هم‌پوشانی زیاد. مطالعات رشد نشان داده‌اند که این تفاوت‌ها بازتابی از ناهمگامی در رشد شبکه‌های عصبی-هیجانی‌اند، نه قوانین قطعی. والدین باید از کلیشه‌سازی پرهیز کنند و تجربه قرآنی را براساس واکنش فردی کودک تنظیم نمایند.

نکته علمی: ۴ تا ۶ سالگی دوره اوج بازی نمادین



شود؛ این تمرین به شکل‌گیری رمزگذاری روایی چندحسی کمک می‌کند،

ابعاد شناختی-زبانی

کودکان ۴ تا ۶ سال می‌توانند رویدادها را به صورت زنجیره‌ای بازگو کنند («اول... بعد... آخر...»).

دختران: تمایل دارند این توالی را بیشتر با واژه‌ها و جملات بسازند.

پسران: گاهی همان توالی را با نمایش بدنی یا تقلید نشان می‌دهند.

روش پیشنهادی: پس از پایان قصه، طرح سه پرسش کلیدی («اول چه اتفاقی افتاد؟ بعد چه شد؟ چرا این اتفاق افتاد؟») به تقویت توالی‌یابی روایی و استدلال علی کمک می‌کند.

شواهد: مطالعات نشان می‌دهند ۴-۶ سالگی دوره جهش روایتگری است و کودکان به تدریج روابط علت-معلولی را در قصه‌ها بازمی‌شناسند (Demir-Lira ; ۱۹۹۴, Peterson & McCabe et al, ۲۰۲۰).

تفاوت‌های هیجانی

دختران: معمولاً زودتر واژه‌های هیجانی («خوشحال»، «غمگین»، «ترسید») را وارد گفتار می‌کنند.

پسران: به‌طور میانگین، هیجان را بیشتر از مسیرهای بدنی-حرکتی بیان می‌کنند (مانند پرش، صدای بلند یا حرکات شدید). این الگو بازتاب رشد ناهمگام مدارهای لیمبیک-حرکتی است؛ مدارهایی که پیوند میان برانگیختگی هیجانی و پاسخ‌های حرکتی را میانجی‌گری می‌کنند.

و شکل‌گیری روایت‌های ابتدایی است. در این بازه، سیستم‌های زبانی، هیجانی و حرکتی به‌طور هم‌زمان فعال می‌شوند:

دختران: پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تمایل بیشتری به بازی‌های اجتماعی و دیالوگ‌محور دارند و معمولاً زودتر از پسران احساسات را با واژه‌ها بازنمایی می‌کنند. [۲۶] fMRI نشان داده است که پردازش (لحن صدا) و واژگان هیجانی در دختران با فعالیت بیشتر در قشر گیجگاهی-پیشانی همراه است.

پسران: بیشتر به بازی‌های حرکتی، فضایی و نقش‌های قهرمانانه گرایش دارند. آن‌ها اغلب از طریق بدن و صداها بلند وارد قصه می‌شوند. [۲۷] این رفتارها بازتابی از رشد سریع‌تر شبکه‌های حسی-حرکتی است.

پیوند رشدی با قرآن برای دختران:

در قصه موسی، هنگام گفتن «مادر موسی او را در سبد گذاشت»، می‌توانید از کودک بخواهید مانند مادر جمله‌ای احساسی بگوید («نگرانم»، «مراقب باش»). این تمرین emotion labeling و استفاده از واژگان هیجانی است. در قصه حضرت مریم، جمله «مریم دعا کرد، خدا صدایش را شنید» کودک می‌تواند جمله کوتاه احساسی بسازد («خوشحال شدم»).

برای پسران:

در قصه حضرت نوح، وقتی حیوان‌ها وارد کشتی می‌شوند، کودک می‌تواند اسم حیوان‌ها را تکرار کند. در قصه حضرت ابراهیم، هنگام گفتن «ابراهیم به خورشید نگاه کرد»، کودک می‌تواند با اشاره بدنی و بیان واژه «خورشید» را وارد روایت



بهداشت هیجانی روایت

قاعده طلایی: تنش کوتاه، پایان امیدبخش.
صحنه‌های دشوار (مانند خطر یا تنهایی) باید به صورت کوتاه روایت شوند و همواره با پیامی امیدبخش و اطمینان‌دهنده (مانند «خدا یوسف را تنها نگذاشت») به پایان برسند؛ این رویکرد به هم‌تنظیمی هیجانی و کاهش اضطراب کودک کمک می‌کند.

تنظیم هیجان والدین

کودکان در این سن هیجان والد را به طور مستقیم می‌خوانند. تماس چشمی، لحن آرام و لبخند والدین هنگام روایت، مدارهای همدلی را فعال می‌کند و کیفیت تجربه قرآنی را چند برابر می‌سازد؛ اگر جلسه کوتاه باشد.

چکلیست مشاهده والد (۴ تا ۶ سال):

- بازگویی بخشی از قصه (کلامی یا نمایشی).
- پرسش ساده («چرا؟»).
- به‌کارگیری واژه هیجانی («غمگین شد»، «خوشحال بود»).
- بازسازی صحنه‌ای از قصه در بازی آزاد.
- درخواست تکرار («دوباره بگو»).
- مشاهده ۲-۳ علامت در هفته کافی است.
- جمله الهام‌بخش:** «قصه‌های قرآن برای هر کودک با مدارهای عصبی متفاوتی زنده می‌شوند: یکی با زبان و احساس، دیگری با حرکت و صدا. اما همه در نهایت به یک پیام مشترک می‌رسند: مهربانی خدا.»

نکته مهم: هر دو شیوه بیان هیجان - کلامی و بدنی - واکنش‌هایی معتبر و رشدی‌اند و باید در بافت روایت‌های قرآنی به رسمیت شناخته شده و به صورت تنظیم‌شده هدایت شوند.

توجه مشترک: در این سن، کودکان می‌توانند به طور هم‌زمان به واژه و تصویر توجه کنند. مثلاً وقتی می‌گویید «خورشید» و هم‌زمان کارت یا تصویر آن را نشان می‌دهید، کودک درگیر «توجه مشترک» می‌شود؛ این مهارت پیش‌نیاز مهمی برای رشد اجتماعی و روایتگری است.

دوزبانه/چندزبانه:

در خانواده‌های دوزبانه یا چندزبانه، بار شناختی باید سبک نگه داشته شود:
- در هر جلسه فقط یک واژه محوری قرآنی انتخاب کنید.
- آن را با ژست ساده و تصویر همراه کنید.
مثال: «نور» + اشاره به چراغ + کارت تصویری.
این تمرین به تقویت هم‌آرزیابی واژگانی میان زبان‌ها کمک می‌کند.

حساسیت‌های ویژه (اوتیسم/حساسیت حسی)

- جلسه باید کوتاه (۵ دقیقه) و پیش‌بینی‌پذیر باشد.
- استفاده از کارت‌های ساده برای نشان دادن توالی «شروع-میانه-پایان» کمک‌کننده است.
- پرهیز از صداهای بلند یا حرکات ناگهانی ضروری است.
- حتی مشارکت غیرکلامی (مانند نگاه یا لبخند) نشانه ارزشمند درگیری اجتماعی و پردازش مشترک تجربه است.



نکته علمی:

در بازه خردسالی (۲-۴ سال) و پیش دبستانی (۴-۶ سال)، بازی نمادین و روایت نه فعالیت‌هایی فرعی، بلکه سازوکارهایی بنیادی برای رشد شناخت اجتماعی، تنظیم هیجان و سازمان‌دهی تجربه‌اند. پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که بازی نمادین بستری فراهم می‌کند که کودک بتواند کنش‌ها، نیت‌ها و پیامدها را در قالب سناریوهای قابل فهم بازنمایی کند؛ فرایندی که با تقویت کارکردهای اجرایی، تخیل اجتماعی و توانایی درک دیدگاه دیگران همراه است (Lillard, ۲۰۱۷).

در این چارچوب، به‌ویژه در سنین پیش دبستانی (۴-۶ سال)، روایت و بازآفرینی داستان‌ها نقشی محوری در یکپارچه‌سازی زبان، هیجان و تجربه ایفا می‌کنند. در این دوره، بازی نمادین به‌طور فزاینده‌ای با شکل‌گیری روایت‌های ساده، توالی زمانی رویدادها و بازنمایی نمادین شخصیت‌ها پیوند می‌خورد؛ فرایندی که به رشد مهارت‌های روایی و سازمان‌دهی معنایی تجربه کمک می‌کند (Lillard & Taggart, ۲۰۱۹). از این منظر، مشارکت کودک در قصه‌گویی و بازنمایی نمادین، نه صرفاً بازی، بلکه تمرینی تدریجی برای ساخت معنا و فهم اجتماعی جهان پیرامون است.

خردسالی (۲-۴ سال)

رشد واژگانی انفجاری با اوج‌گیری بازی نمادین همراه است. قصه‌های کوتاه قرآنی همراه با تصویر یا عروسک، به فعال‌سازی هم‌زمان حافظه روایی و شبکه‌های پیش‌پیشانی-تمپورال کمک می‌کنند و بستری برای پیوند زبان، هیجان و تخیل فراهم می‌سازند (Lillard, ۲۰۱۷; Lillard & Taggart, ۲۰۱۹).

نتیجه‌گیری:

تا پیش از هفت‌سالگی، کودک قرآن را بیش از آن‌که از مسیر تحلیل عقلانی تجربه کند، از مجرای حواس و هیجان درمی‌یابد. پژوهش‌های رشد نشان می‌دهند که در این دوره، سامانه‌های حسی-هیجانی و حافظه ضمني زودتر از شبکه‌های تحلیلی-زبانی به بلوغ می‌رسند. از این رو، آنچه در ذهن و قلب کودک ماندگار می‌شود، نه معنای صریح واژگان آیات، بلکه احساس امنیت و آرامشی است که با صدای والدین، روایت‌های ساده و لحظه‌های محبت‌آمیز پیوند می‌خورد.

مرور مرحله‌ای

نوزادی (۰-۱۲ ماه):

شنوایی نخستین حس سازمان‌یافته در رشد کودک است. در این بازه، قرآن می‌تواند نقشی مشابه آرامش‌شنیداری ایفا کند؛ همان کارکردی که ضربان قلب یا لالایی مادر دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که صدای آشنا با فعال‌سازی سازوکارهای تنظیم هیجانی و کاهش شاخص‌های استرس در نوزاد همراه است (DeCasper & Fifer, ۱۹۸۰; Feldman, ۲۰۲۰).

نوپایی (۱۲-۲۴ ماه):

تقلید واژه‌ها یا حرکات ساده بخشی از گفت‌وگوی ابتدایی کودک با والد است. در این مرحله، شبکه‌های زبانی-حرکتی رشد سریعی را تجربه می‌کنند؛ از این رو، قرآن می‌تواند به‌عنوان قالبی برای مشارکت فعال و تعاملی کودک عمل کند (Kuhl, ۲۰۲۰; Frank et al, ۲۰۲۱).



پیش دبستانی (۴-۶ سال)

تفاوت‌های فردی و جنسیتی:

تفاوت‌ها میانگین‌اند، نه قوانین. هر کودک مسیر عصبی-هیجانی ویژه خودش را دارد.

-دوزبانه و نیازهای ویژه: برای کودکان دوزبانه یا با حساسیت حسی/اوتیسم، جلسات کوتاه، پیش‌بینی‌پذیر و تصویری موجب کاهش بار شناختی و افزایش آرامش و یادگیری می‌شوند.

چشم‌انداز آینده

این تجربه عاطفی-حسی از قرآن، تا پیش از هفت‌سالگی همچون بذری در حافظه ضمنی کودک کاشته می‌شود. با رشد قشر پیش‌پیشانی و افزایش توانایی تحلیل زبانی و اخلاقی پس از ۷ سالگی، این بذر به ریشه‌ای پایدار برای فهم مفهومی قرآن و گرایش معنوی درازمدت بدل خواهد شد.

کودکان وارد مرحله استدلال اخلاقی نوپا می‌شوند. پرسش‌هایی مانند «چرا حضرت یوسف بخشید؟» به شکل‌گیری تدریجی سازوکارهای مرتبط با نظریه ذهن و استنباط نیت دیگران کمک می‌کند؛ در این سن، شبکه‌های گیجگاهی-جداری (TPJ) و قشر پیش‌پیشانی میانی (mPFC) در بافت روایت و گفت‌وگوی اخلاقی نقش پررنگ‌تری می‌یابند. [۲۸]

سه اصل کلیدی این مسیر

۱. صدای والدین به‌عنوان «صدای امنیت»: شنیدن صدای زنده پدر و مادر سیستم پاداش اجتماعی کودک را فعال می‌کند و حس پیوند عاطفی پایدار ایجاد می‌کند.
۲. کوتاهی و تکرار منظم: همسویی با سازوکار حافظه ضمنی؛ جلسات کوتاه و تکرار شونده بیش از جلسات طولانی و پراکنده ماندگار می‌شوند.
۳. پیوند قرآن با تجربه‌های رشدی: از لالایی و تماس پوستی در نوزادی تا قصه، بازی نمادین و گفت‌وگوی اخلاقی در پیش‌دبستانی؛ این پیوند چندحسی موجب تقویت در مغز کودک می‌شود.

نکات تکمیلی برای والدین

تنظیم هیجان والدین: سیستم عصبی کودک هیجان والدین را منعکس می‌کند. آرامش شما فعالیت سیستم پاراسمپاتیک کودک را تقویت می‌کند.

بهداشت هیجانی روایت: قانون «تنش کوتاه، پایان امیدبخش» مانع از فعال‌سازی بیش‌ازحد آمیگدالا و اضطراب پایدار می‌شود.

منابع:

- What is resilience: .(۲۰۲۰) .Feldman, R [۱]
An affiliative neuroscience approach.
<https://doi.org/10.1192/WorldPsychiatry>
۲۰۲۲۹.wps/۱۰/۱۰۰۲/org
.Webb, S. J., Monk, C., & Nelson, C. A
Advances in understanding .(۲۰۲۴)
of early auditory experience and
neurodevelopment. Annual Review of
Developmental Psychology
۶, ۱-۲۶, Developmental Psychology
What is it like .(۲۰۱۱) .Trevvarthen, C [۷]
to be a person who knows nothing?
Defining the active intersubjective mind
of a newborn human being. Infant and
[Child Development](https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2011.02481.x)
۸۹, ۱۰۱-۱۳۵, [icd/۱۰/۱۰۰۲/doi.org](https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2011.02481.x)
(۲۰۱۸) .Mindell, J. A., & Williamson, A. A [۸]
Benefits of a bedtime routine in young
children: Sleep, development, and beyond.
[Sleep Medicine Reviews](https://doi.org/10.1111/smr.12147)
۲۰۱۷, ۱۰۰-۱۰۷, [smrv/۱۰/۱۰۱۶/doi.org](https://doi.org/10.1111/smr.12147)
.Bahrick, L. E., Lickliter, R., & Flom, R [۹]
Intersensory redundancy guides
the development of selective attention,
perception, and cognition in infancy.
Current Directions in Psychological
Science
[۱۰/۱۱۱۱/https://doi.org](https://doi.org/10.1111/cdps.12147). ۱۰۲-۹۹, (۳)۱۳, Science
x.۷۲۱۴/۲۰۰۴/۰۰۲۸۳-۰۹۶۳.j
Khan, Y. T., Tsompanidis, A., Radecki, [۱۰]
M. A., Dorfschmidt, L., Austin, T., Suckling,
J., Allison, C., Lai, M.-C., Bethlehem, R. A. I.,
Sex differences .(۲۰۲۴) .& Baron-Cohen, S
in human brain structure at birth. Biology
[of Sex Differences](https://doi.org/10.1111/bcp.12147)
۵۰-۰۰۰, ۲۵۷-۰۲۴-۵۱۳۲۹۳/۱۰/۱۱۸۶/org
Gender .(۲۰۲۳) .Wang, K., Ji, X., & Li, T [۱۱]
difference in functional activity of
month-old infants during sleep: A-ε
functional near-infrared spectroscopy
study. Frontiers in Psychiatry
[۲۰۲۲/۱۰-۶۶۸۲.fpsyg/۱۰/۳۳۸۹/https://doi.org](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.11812)
Alexopoulos, J., Giordano, V., Doering, S., [۱۲]
Seidl, R., Benavides-Varela, S., Russwurm,
M., Greenwood, S., Berger, A., & Bartha-
Sex differences in .(۲۰۲۲) .Doering, L
neural processing of speech in neonates.



Imagining. (۲۰۲۲). Walker, C. M., & Gopnik, A. the impossible: Pretend play and counterfactual reasoning. Psychological Science, ۳۳(۵), ۷۱۲-۷۲۴. <https://doi.org/10.1177/09567976211060304>

[۱۸] World Health Organization. (۲۰۱۵). Environmental noise guidelines for the European region. World Health Organization, Regional Office for Europe. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/112644>

[۱۹] Bates, E., Dale, P. S., & Thal, D. Individual differences and their implications for theories of language development. In P. Fletcher & B. MacWhinney (Eds.), The handbook of child language (pp. ۹۶-۱۵۱). Blackwell. (۲۰۱۹). Mayor, J., & Mani, N. on the "vocabulary spurt": Evidence from comprehension and production. Developmental Science, ۲۲(۲), ۱۲۷۶۷. <https://doi.org/10.1111/desc.12767>

[۲۰] Huttenlocher, J., Haight, W., Bryk, A., Seltzer, M., & Lyons, T. Early vocabulary growth: Relation to language input and gender. Developmental Psychology, ۲۷(۲), ۲۳۶-۲۴۸. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.27.2.236>

[۲۱] Knickmeyer, R. C., Xia, K., Lu, Z., Ahn, M., Jha, S. C., Zou, F., Zhu, H., Styner, M., & Gilmore, J. H. Impact of sex and gonadal steroids on neonatal brain structure. Cerebral Cortex, ۳۰(۷), ۴۲۳۴-۴۲۴۹. <https://doi.org/10.1093/cercor/bhz300>

[۲۲] Karasik, L. B., Tamis-LeMonda, C. S., & Adolph, K. E. Infants elicit different verbal responses from mothers. Developmental Science, ۱۷(۳), ۳۸۸-۳۹۵. <https://doi.org/10.1111/desc.12129>

[۲۳] Peterson, C., & McCabe, A. A social interactionist account of developing decontextualized narrative skill. Developmental Psychology, ۳۰(۶), ۹۳۷-۹۴۸. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.30.6.937>

Cortex, ۱۵۷, ۱۱۷-۱۲۸. <https://doi.org/10.1016/j.cortex.2022.09.007>

Hu, A., Tong, X., Yang, L., Shi, Z., Long, Q., Chen, M., & Lee, Y. Differences in the functional language networks at birth: A resting-state fNIRS study. Cerebral Cortex, ۳۴(۵), ۱۹۶۱-۱۹۶۶. <https://doi.org/10.1093/cercor/bhae196>

[۲۴] Fenson, L., Marchman, V. A., Thal, D. J., Dale, P. S., Reznick, J. S., & Bates, E. MacArthur-Bates communicative development inventories: User's guide (2nd ed.) and technical manual. Brookes

[۲۵] Nguyen, T., Schleihau, H., Kayhan, E., Matthes, D., Vrtika, P., & Hoehl, S. The effects of interaction quality on neural synchrony during mother-child interaction. Social Cognitive and Affective Neuroscience, ۱۵(۲), ۲۳۷-۲۴۹. <https://doi.org/10.1093/scn/naa012>

[۲۶] Frank, M. C., Braginsky, M., Yurovsky, D., & Marchman, V. A. Wordbank: An open repository for developmental vocabulary data. Journal of Child Language, ۴۸(۲), ۲۱۲-۲۲۷. <https://doi.org/10.1017/S0305000922000099>

[۲۷] Kuhl, P. K. Brain mechanisms in early language acquisition. Neuron, ۷۱(۶), ۹۸۹-۱۰۰۴. <https://doi.org/10.1016/j.neuron.2020.08.038>

[۲۸] Lillard, A. S. Why do the children (pretend) play? Trends in Cognitive Sciences, ۲۱(۱۱), ۸۲۶-۸۳۴. <https://doi.org/10.1016/j.tics.2017.08.001>

[۲۹] Lillard, A. S., & Taggart, J. Pretend play and imagination. In The Oxford handbook of imagination. Oxford University Press



- The socio-cultural construction of narrative development. In *The Oxford handbook of narrative psychology* (pp. 201-218). Oxford University Press.
- Narrative skills in early childhood: Links to later language and literacy outcomes. *Developmental Science*, 19(1), 1-11. <https://doi.org/10.1111/desc.12111>
- 3rd ed.). Routledge) *Handbook of moral development*. (Eds. Killen, M., & Smetana, J. G. [2012]. How do children socially learn from narrative fiction? *Educational Psychology Review*, 24(1), 1-10. <https://doi.org/10.1007/s11467-012-9107-5>
- Moral reasoning enables developmental and societal change. *Annual Review of Developmental Psychology*, 2(1), 1-11. <https://doi.org/10.1146/annurev-devpsych.01.01.11>
- A meta-analytic review of gender variations in adults' language use: Talkativeness, affiliative speech, and assertive speech. *Psychological Bulletin*, 129(1), 1-13. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.129.1.1>
- Social interactions and play patterns of parents and toddlers with feminine, masculine, and neutral toys. *Child Development*, 70(1), 1-10. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.1999.00733.x>
- Children's understanding of social and moral norms. *Journal of Moral Education*, 30(1), 1-10. <https://doi.org/10.1007/s10994-001-0001-0>



واکاوی تطبیقی احکام حمایتی مترتب بر بهره‌وری جنسی از زوجۀ نابالغ، در فقه امامیه و کلام سید احمد الحسن

به قلم ذاکره احمدی

قسمت دوم: انحلال یا عدم انحلال نکاح



و قذفِ زوجهٔ ناشنوا به همین ترتیب است.» [۷]

در نقد این مبنا باید گفت:

اولاً: ثمرهٔ نکاح انحصاری در استمتاع و مباشرت با زوجه ندارد.

ثانیاً: موافق نگاه برخی فقها، انحصار ثمرهٔ نکاح در حلیت استمتاع، صرفاً موجب عدم جواز ابتدای به نکاح است، نه بقا و استمرار آن؛ و منفسخ شدن نکاح لاحق به سبب رضاع لاحق نیز به جهت وجود دلیل خاص است. [۸] حاصل مطلب آن که خروج از اصل بقای علقهٔ نکاح و اصل حرمت زوجهٔ إفضاء شده نسبت به دیگران (غیر زوج)، نیازمند دلیلی قاطع است؛ بنابراین این وجوه اعتباری نمی‌تواند مورد اعتنا قرار گیرد.

۲-۲. دیدگاه دوم: عدم انحلال نکاح

مشهور فقهای امامیه [۹] و سید احمد الحسن [۱۰] در پاسخ به چالش انحلال یا عدم انحلال نکاح در اثر مباشرت با زوجهٔ صغیره که منتهی به إفضای وی می‌گردد، رویکرد عدم انحلال نکاح را برگزیده‌اند.

مشهور فقها برای اثبات مدعی خویش به دلایل ذیل تمسک جسته‌اند:

(بدون نیاز به طلاق) خواهد شد. ظاهر کلمات برخی فقها تمایل به پذیرش این رویکرد را نشان می‌دهد. [۱]

البته با عنایت به صرف ظهور کلام این فقیه و عدم صراحت آن در نگرش انفساخ، امکان حمل آن برخلاف ظاهر وجود دارد؛ به این صورت که مراد از تعبیر «فَرَّقَ بَيْنَهُمَا وَ لَمْ تَحِلَّ لَهُ أَبَدًا» تفریق در وطی و عدم حلیت آن است. اظهارات صریح برخی دیگر حاکی از تأیید این دیدگاه است. [۲] علامه حلی در برخی کتب خویش نسبت به این مسئله توقف نموده است. [۳] در کتاب قواعد، اما با تعبیر «فیه نظر»، بر نگاه ابن‌ادریس که قائل به عدم انفساخ نکاح است، اشکال می‌نماید. [۴] برخی دیگر از فقها نیز در این باره توقف کرده‌اند. [۵] عمده دلیل این نگرش، روایت «سهل بن زیاد» است که با عنایت به ضعف، ارسال و اعراض فقها از آن، قابلیت استناد ندارد. [۶] برخی دیگر از فقها در دفاع از این رویکرد و در شرح عبارت علامه حلی در قواعد - که به رویکرد عدم انحلال اشکال نموده - این‌گونه آورده‌اند:

«حکم نمودن به تحریم ابدی، در تنافی با مقتضای عقد نکاح است که ثمره‌اش حلیت استمتاع است. همچنین تحریم مؤبد، همچنان‌که مانع از صحت نکاح در ابتدای تشکیل آن می‌گردد، در ادامه نیز سبب بطلان آن می‌شود؛ همچنان‌که رضاع، لعان

مسئلهٔ مورد بررسی، مقایسهٔ دو رویکرد فقهی در باب ازدواج با افراد نابالغ بود. بر پایهٔ دیدگاه نخست، از همان لحظهٔ نزدیکی با زوجهٔ نابالغ، مباشرت با او برای مرد حرام است و حرمت ابدی باقی می‌ماند. در عین حال، دیدگاه دوم ضمن تأکید بر حرمت دائم نزدیکی با چنین زوجه‌ای، قاعده‌ای اضافی معرفی می‌کند که اگر نزدیکی منجر به إفضاء (آسیب جنسی یا آسیب به زن) شود، این ممنوعیت تا ابد باقی می‌ماند؛ اما در فرض عدم إفضاء، پس از رسیدن زوجه به سن بلوغ، امکان برقراری روابط جنسی برای مرد وجود دارد. این دو رویکرد نمایانگر تفاوتی در میزان شدت قیود و شرطهای مشروعیت رابطه است که با تبیین هر کدام از این دیدگاه‌ها، با توجه به مبانی اصولی، منابع فقهی و الزامات اخلاقی - اجتماعی، دیدگاه دوم مورد تأیید قرار گرفت.

مسئلهٔ دیگری که بر مباشرت با زوجهٔ صغیره و إفضای وی مترتب می‌گردد، امکان انحلال و انفساخ نکاح (بدون طلاق) است که در میان فقهای امامیه با رویکردهای مختلفی همراه گردیده است:

۲-۱. دیدگاه نخست: انحلال نکاح

برخی از فقها معتقدند که اگر مباشرت به إفضاء منتهی شود، موجب انحلال و انفساخ نکاح



۲-۲-۱. روایات

روایت صحیحه برید بن معاویه از امام باقر علیه السلام [۱۱] و صحیحه حمران از امام صادق علیه السلام [۱۲] هر دو ناظر به زوجه صغیره‌ای است که إفضاء گردیده است. روایات مزبور به صراحت دلالت بر عدم انحلال نکاح دارند. در صحیحه برید این گونه آمده است که:

«... فَإِنْ أَمْسَكَهَا وَلَمْ يُطَلِّقْهَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ دَخَلَ بِهَا وَلَهَا تِسْعُ سِنِينَ، فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ أَمْسَكَ وَإِنْ شَاءَ طَلَّقَ».

یعنی اگر زوج به ادامه زندگی با زوجه و عدم طلاق وی رضایت دهد، چیزی بر ذمه وی نخواهد بود. در روایت حمران نیز امام علیه السلام می‌فرماید:

«... فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُغَرِّمَهُ دَيْتَهَا، وَإِنْ أَمْسَكَهَا وَلَمْ يُطَلِّقْهَا حَتَّى تَمُوتَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ».

بر امام واجب است که دیه زوجه مفضاة را به ذمه زوج بگذارد و در صورت عدم اقدام زوج به طلاق زوجه و ادامه دادن زندگی با وی تا آخر عمر، چیزی بر ذمه‌اش نخواهد بود. همچنان که مشخص است، روایات مزبور علاوه بر اعتبار از حیث سندی، از جهت دلالتی نیز بر تخیر زوج بین امساک یا طلاق زوجه دلالت دارند و طلاق، متفرع بر ثبوت علقه زوجیت است.

۲-۲-۲. اجماع

دومین دلیلی که مشهور بر اثبات ادعای خویش اقامه کرده‌اند، ادعای اجماع است. [۱۳] البته این اجماع، با عنایت به مخالفت قطعی طرفداران انحلال نکاح [۱۴] و مخالفت احتمالی برخی دیگر [۱۵]، اعتباری ندارد. به علاوه، اجماع مزبور مستند به روایاتی است که گذشت؛ لذا چنین اجماعی مدرکی و فاقد اعتبار است. همچنین استناد به اصل استصحاب در عدم انحلال نکاح نیز با عنایت به وجود دلیل اجتهادی، بی‌مبناست؛ زیرا با وجود دلیل اجتهادی، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد. انصافاً هدف از ازدواج تنها ارضای غریزه جنسی

نیست که إفضاء - چون سبب حرمت ابدی نزدیکی با زوجه می‌شود - موجب انحلال نکاح گردد. به نظر می‌رسد از دیدگاه سید احمد الحسن، ارضای غریزه جنسی همسران (زن و شوهر) نمی‌تواند تنها دلیل و تنها هدف از ازدواج باشد؛ چرا که از نظر ایشان، ارضای غریزه جنسی همسران با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج، از بزرگ‌ترین مستحباتی است که می‌توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. ایشان می‌گویند:

«پاداش این کار کمتر از ثواب عباداتی مانند نماز و روزه نیست، بلکه تنها به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این که هریک با هدف إشباع میل و هوس خود با شریکشان ارتباط جنسی داشته باشد، فقط چنین نیت کند که نیاز شریکشان را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب، زن و شوهر به فضل و کرمی که خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب می‌گیرند.» [۱۶]

ارضای غریزه جنسی می‌تواند یکی از اهداف ازدواج قرار بگیرد که اگر با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج باشد، از بزرگ‌ترین مستحبات محسوب می‌گردد؛ نه این که هدف انحصاری ازدواج در ارضای غریزه جنسی باشد.

۳. وجوب نفقه مادام‌العمر زوج

از جمله احکام دیگری که مترتب بر مباشرت منتهی به افضای زوجه صغیره می‌گردد، وجوب پرداخت نفقه توسط زوج تا هنگام مرگ یکی از ایشان است. در این مسئله اختلافی میان فقها نیست [۱۷] و قدمای فقها به این مسئله تصریح کرده‌اند. [۱۸] برخی نیز بر این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند. [۱۹]

مبنای این حکم در میان فقهای امامیه را می‌توان مستند به دلایل ذیل نمود:

عمومات و اطلاقات ادله وجوب نفقه زوج



در ازدواج دائم که ناظر بر فرض حاضر نیز هست. [۲۰] همچنین ادله خاصه‌ای نیز در این باره وجود دارد؛ یعنی روایاتی که نسبت به زوجة مفضاة وارد گردیده است، از جمله صحیحه حلبی که می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام نسبت به دخترپچه‌ای پرسیدم که در اثر مباشرت با شوهرش، إفضاء گردیده است. حضرت در پاسخ فرمود: «تا هنگامی که این دختر زنده است، نفقه‌اش بر عهده شوهر وی خواهد بود.» [۲۱] همچنین با توجه به اطلاق روایت مزبور، وجوب پرداخت نفقه توسط شوهر حتی در فرض طلاق زوجه و ازدواج با دیگری نیز ثابت می‌گردد.

ممکن است اشکال شود که در برخی روایات تعلیلی ذکر شده که «فَإِنَّهُ قَدْ أَفْسَدَهَا وَ عَظَّلَهَا عَلَى الْأَزْوَاجِ» که ناظر بر این مبناست که علت مترتب شدن احکام مزبور آن است که زمینه ازدواج زن مفضاة از بین رفته است؛ بنابراین در فرض درمان وی، این احکام مترتب نیست.

در پاسخ به این اشکال باید گفت: ظاهر روایت حمران نشان می‌دهد که صرفاً حکم به وجوب پرداخت دیه توسط امام علیه‌السلام به دلیل مزبور تعلیل گردیده است؛ بنابراین می‌توان پذیرفت که در صورت عدم تعطیلی ازدواج (مانند امروزه که با یک جراحی ساده، إفضاء درمان می‌گردد، یا در

هنگام سزارین زن، إفضاء صورت می‌گیرد و با یک جراحی ساده درمان می‌شود)، دیه نفس ثابت نیست، اما وجوب پرداخت نفقه مطلقاً ثابت می‌گردد. [۲۲] البته شاید بتوان گفت: با عنایت به لحن روایات، چنین به نظر می‌رسد که در زمان شارع، عمده چالش‌ها خلاصه در این می‌شده که زن مفضاة دیگر امکان ازدواج مجدد و تشکیل یک زندگی جدید را نداشته است؛ به همین جهت شارع نیز در پی جبران این چالش بوده و با تشریع پرداخت نفقه از سوی زوج، او را ملزم به تأمین هزینه‌های زندگی وی کرده است. بنابراین در زمان حاضر که این مسئله به راحتی قابل درمان است، پذیرش این رویکرد نمی‌تواند به آسانی پذیرفته شود و عدم وجوب پرداخت نفقه بعید نیست.

حتی فقه‌های دوره‌های گذشته نیز هر دو احتمال (وجوب و عدم وجوب نفقه زوجة مفضاة) را در فرض ازدواج با زوج دیگر مطرح کرده‌اند که مبنای وجوب انفاق توسط زوج نخست، صدق عنوان إفضاء و تأدیی بودن حکم است؛ درحالی که وجه عدم وجوب انفاق نیز این است که چون مبنای انفاق، عدم صلاحیت ازدواج بود که در فرض حاضر زوجة مفضاة ازدواج نموده است، بنابراین وجوب پرداخت نفقه منتفی است. [۲۳]

از منظر سید احمد الحسن، اگر حکومت به خلیفه خدا داده شود، می‌تواند برای منع ازدواج با دختر در سنی که به‌طور معمول اعضای تناسلی زنانه‌اش کامل نشده باشد، قیدهایی را وضع نماید؛ مثلاً شرط کند که ضرورتی برای این نوع ازدواج وجود داشته باشد و این که وضعیت جسمانی دختران از نظر معاینات پزشکی قانونی برای ازدواج مناسب باشد و ... به‌طور کلی، حلال دانستن این نوع ازدواج در شریعت اسلام - همان‌طور که بیان شد - دلالتی بر طبیعی بودن این وضعیت ندارد؛ بلکه این تشریع تنها بیانگر نهایت سنی است که در آن سن، دختران جوان - در صورت وجود ضرورت - امکان ازدواج پیدا می‌کنند. [۲۴] پس اگر چنین ازدواجی در شریعت اسلام حلال است، به معنای طبیعی بودن آن نیست. این تشریع صرفاً بیانگر حداکثر سنی است که در شرایط ضرورت، دختران نوجوان می‌توانند ازدواج کنند.

این سخن نشان می‌دهد راهنمایی عملی چنین ازدواجی در مواقع نیاز و محدود به زمان خاصی است، نه تأیید طبیعی بودن این وضعیت. قاعده کلی فقهی این است که ازدواج یا هر عمل جنسی با حد سن بلوغ و هم‌سو با وضعیت جسمی و عقلانی فرد، تنها براساس ضوابط و شرایط مشروع قابل



خانوادگی و جلوگیری از تصمیمات سریع و احتمالاً آسیب‌زننده باشد. با این حال، این موضع نیازمند توضیح دقیق منابع فقهی، تعریف روشن از شرایط بلوغ، اِفضاء، آثار حقوقی و یک چارچوب عملی برای نحوه نظارت مراجع قضایی و فقهی است تا از تعارضات حقوقی و اخلاقی جلوگیری کند.

پژوهش حاضر بر این باور است که چون تشریع احکامی مانند پرداخت نفقه به واسطه تأدیب و نوعی مجازات است، رویکرد وجوب پرداخت نفقه به صورت مطلق صحیح‌تر به نظر می‌رسد. به علاوه، تقیید اطلاق مزبور به قیودی مانند عدم ازدواج مجدد یا عدم علاج اِفضاء و... نیازمند وجود دلیل قطعی بر این مسئله است که در فرض حاضر منتفی است. افزون بر این، شارع مقدس نسبت به رعایت حقوق کودکان حساسیت بسیار دارد و ضمانت اجراهای سختی را برای مباشرت با زوجه صغیره که حرام است، وضع کرده و شخص متخلف نیز باید مجازات و توان این رفتار خویش را بپردازد. همچنین اگر با تمسک به مسائلی مانند پیشرفت‌های پزشکی و... ترتب مجازات‌های مزبور منتفی گردد، سبب سوءاستفاده بسیاری از افراد و عدم پرهیز ایشان از این عمل و رفتار زشت می‌گردد؛ چراکه خود را ایمن از مجازات می‌بینند. لذا توجه به دغدغه‌های شارع در رعایت حقوق کودکان و اهتمامی که نسبت به آن دارد، و نیز مباحث حقوق بشری در رعایت حقوق کودک، اقتضا می‌کند وجوب پرداخت نفقه حتی در فرض درمان و ازدواج مجدد زوجه را نیز شامل گردد.

منابع:

- [۱] شیخ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۴۵۳.
- [۲] ابن حمزه طوسی، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، ص ۲۹۲.
- [۳] حلی، مختلف، ۶۷/۶.

توجیه است و اطلاق هرگونه اجازه یا مشروعیت به چنین ارتباطی، بدون وجود شرایط قانونی و اخلاقی لازم، پذیرفتنی نیست.

از نظر ایشان، با وجود حرمت نزدیکی با زوجه‌ای که سن او به ۹ سال نمی‌رسد، اما در صورت انجام این عمل، علقه زوجیت از بین نمی‌رود و همه حقوق و واجبات زوجیت به حال خود باقی می‌ماند؛ که البته در صورت اِفضاء، همان‌طور که قبلاً گفته شد، نزدیکی با او تا ابد برای مرد حرام می‌شود، اما نکاح از بین نمی‌رود. [۲۵] پس با این بیان، علقه زوجیت کماکان باقی بوده و به تبع آن، وجوب نفقه که از آثار زوجیت است، به حال خود باقی می‌ماند.

نتیجه

هرچند اساس دیدگاه اول بر پایه جلوگیری از سوءاستفاده از نزدیکی با زوجه نابالغ بوده و قابلیت پاسخ سریع و مصلحتی را می‌دهد تا از استمرار رابطه با یک طرف آسیب‌دیده جلوگیری شود، اما بسیاری از مصالح اجتماعی، حقوق کودک و منابع فقهی را نادیده می‌گیرد؛ چراکه در نظام‌های حقوقی معاصر، تصمیم‌گیری درباره استمرار یا فسخ نکاح معمولاً مبتنی بر ارزیابی کامل شرایط فردی (سن، بلوغ، رضایت، سلامت) و نهایتاً تصمیم مراجع ذی‌ربط است. بنابراین دیدگاه انحلال خودکار بر پایه نزدیکی ممکن است با این رویکرد مدرن هم‌سویی نداشته باشد و نیازمند اصلاحات قانونی دقیق باشد.

اما براساس دیدگاه دوم، که تمرکز اصلی بر عدم انحلال خودکار است، اگر با ملاک‌های محدودکننده و بررسی دقیق نصوص و مصالح اجتماعی همراه باشد، می‌تواند راهکاری برای حفظ ثبات



یطلقها حتى تموت فلا شيء عليه» من لا يحضره الفقيه، ج ۳، باب ما أحل الله عز و جل من النكاح و ما حرّم منه، ص ۲۷۲، الحديث ۷۹.

[۱۳] حلی، السرائر، ج ۲، ص ۵۳۰.

[۱۴] ابن حمزه طوسی، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص ۲۹۲.

[۱۵] شیخ طوسی، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۴۵۳.

[۱۶] سید احمد الحسن، پاسخ های روشننگرانه در بستر امواج، ج ۶، ص ۴۸.

[۱۷] محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۴۲۶: «و يجب عليه الإنفاق عليها ما دامت حية بلا خلاف معتد به أجدّه فيه، بل قد حكي الإجماع عليه جماعة».

[۱۸] شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۳۹۵: ابن حمزه، الوسيلة، ص ۳۱۳؛ حلی، الجامع للشرائع، ص ۴۲۸؛ و متأخرین: عاملی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۳۳؛ عاملی، مسالك، ج ۱۵، ص ۴۳۸؛ نجفی، جواهر، ج ۲۹، ص ۴۲۶؛ انصاری، کتاب النکاح، ص ۴۲۷.

[۱۹] طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۳۹۵.

[۲۰] عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۵۰۹، باب اول از ابواب النفقات: باب وجوب نفقة الزوجة الدائمة.

[۲۱] عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۲۸۲: ۳۵۶۲۲-۲-«و بِإِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ جَارِيَةً فَوَقَّعَ بِهَا فَأَفْضَاهَا، قَالَ: عَلَيْهِ الْإِجْرَاءُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ حَيَّةً».

[۲۲] زنجانی، کتاب نکاح، ج ۵، صص ۱۵۸۸-۱۵۸۹.

[۲۳] حلی، ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۷۹.

[۲۴] هیئت تهیه و تنظیم: ابتسام احمد، هیفاء بهبهانی، زینب الشمری، ساره العامری، بیبی العنلیب، انوار الاسد، هند السعد، سحر عطای، لطیفه القلاف، فردوس المصلی، زینب المحمد اوی، نسمة العامری، زن در اسلام، ص ۴۱.

[۲۵] علاء السالم، شرح شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۱۵.

[۴] همان، قواعد، ۳/۳۳.

[۵] عاملی، جامع المقاصد، ۳۳۲/۱۲؛ عاملی، مسالك، ۳۴۶/۷.

[۶] محقق حلی در این باره در نکت النهایة بیان می دارد: «لكن سهل ضعيف و الرواية مرسلة». محقق حلی، نکت النهایة، ج ۲، ص ۲۹۲؛ صاحب مدارک نیز می نویسد: «هذه الرواية ضعيفة مرسلة فلا يمكن التعلق بها في اثبات حكم مخالف للأصل». محمد بن علی موسوی عاملی، نهایة المرام، ج ۱، ص ۶۱.

[۷] عاملی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۳۲.

[۸] انصاری، کتاب النکاح، ص ۴۲۸.

[۹] مفید، المقنعه، ص ۷۴۷؛ حلی، السرائر، ج ۲، ص ۵۳۰؛ فاضل آبی، کشف الرموز، ج ۲، ص ۱۱۰؛ حلی، الجامع للشرائع، ص ۴۲۸؛ شیرازی، الموسوعة، ج ۲، ص ۶۴.

[۱۰] علاء السالم، شرح شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۱۵.

[۱۱] روایة البرید العجلی عن الباقر علیه السلام فی رجل افتض جاریته، یعنی امرأته فأفضاها، قال: «عليه الدية إن كان دخل بها قبل أن تبلغ تسع سنين فإن أمسكها و لم يطلقها فلا شيء عليه، و إن دخل بها و لها تسع سنين، فلا شيء عليه إن شاء أمسك و إن شاء طلق». الكليني، الكافي، ج ۷، باب ما يجب فيه الدية كاملة من الجراحات التي دون النفس، ص ۳۱۴، الحديث ۱۸.

[۱۲] روی ابن بابویه فی کتابه یرفعه إلى حمزة بن حمران عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «سئل عن رجل تزوج جارية لم تدرك فأفضاها؟ قال: إن دخل بها و لها تسع سنين فلا شيء عليه، و إن كانت لم تبلغ تسع سنين و كان لها أقل من ذلك فافتضها، فإنه قد أفسدها و عطلها على الأزواج، فعلى الإمام أن يغرمه ديته، و إن أمسكها و لم





الْبَيْعَةُ لِلَّهِ

نمایندۀ رسمی سفارتخانۀ آسمان اصل دین یا اصول دین؟

دکتر علاء سالم





اصل دین، مسئله‌ای است که در آن اختلاف فراوانی وجود دارد. برخی آن را «قانون ایمان» می‌نامند، برخی «ارکان ایمان» یا «ارکان دین»، و برخی دیگر «اصول دین». تعیین این اصل، خود محل اختلاف است؛ و این اختلاف، ریشه در تفاوت و کثرت فرقه‌های اسلامی و غیراسلامی دارد.

اگر به سراغ اشاعره بروید، می‌بینید که تعریف خاصی از اصول دین ارائه می‌دهند؛ و حتی در میان خود اشاعره نیز، بسته به اختلاف مکاتبشان، تفاوت‌هایی وجود دارد. به سراغ معتزله بروید، همین‌گونه است. به سراغ ماتریدیه یا سلفیه بروید، یا به سراغ شیعه امامی؛ و برای ما شیعیان امامی، این آخری مهم‌تر است. آنان، مثلاً، از اصول پنج‌گانه سخن می‌گویند که آن‌ها را از کودکی به دانش‌آموزان می‌آموزند و حفظ می‌کنند: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد. برخی نیز اصول بنیادین را سه‌گانه می‌دانند و دو اصل دیگر، یعنی عدل و امامت، را «اصول مذهب» می‌نامند؛ از این‌رو، اصول دین نزد آنان سه مورد است: توحید، نبوت و معاد، که اصول بنیادین به شمار می‌آیند.

خب، حقیقت این مسئله چیست؟

سید، سلام‌الله‌علیه، بدون هیچ مقدمه‌ای آغاز می‌کند و می‌فرماید: اصل دین، مسئله‌ای یگانه و واحد است، و آن، جانشینی است؛ یعنی وجود خلیفه‌ای برای خداوند سبحان و تعالی در زمین او. اکنون، کسی که می‌خواهد اصول دین را تعیین کند، ناگزیر است مسائل متعددی را مراعات نماید: نخست، باید اصل دین را به گونه‌ای بیان کند که در قالب یک قانون الهی درآید؛ قانونی ثابت و همیشگی، مطابق با سنت خداوند. بنابراین، این اصل باید از روز نخستین پیدایش انسان بر زمین تا روز آخر، همواره وجود داشته باشد. این، نخستین شرط است.



دوم، این اصل باید برای همهٔ انسان‌ها، در سطحی برابر و یکسان باشد.

چرا؟ تا عدالت در امتحان الهی تحقق یابد.

یعنی آیا ممکن است که اصل دین در شریعت آدم، در سطحی متفاوت از اصل دین در زمان نوح باشد؟ یا اصل دین در زمان نوح با زمان ابراهیم، موسی، عیسی، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، یا در زمان مهدی نخستین و مهدی آخرین، یعنی دوازدهمین مهدی، تفاوت داشته باشد؟! باید یک اصل واحد باشد؛ زیرا وقتی می‌گوییم «اصل دین»، منظور پایه و بنیانی است که دین خداوند بر آن استوار گردیده است. و دین خدا، واحد است یا چندگانه؟ دین خدا یگانه و واحد است.

پس، اگر دین خداوند واحد است، پایه و اصل آن نیز باید واحد و یگانه باشد.

اگر فرض کنیم، و این فرض درست است، چنان‌که اکنون روشن خواهد شد، که اصل دین یگانه و واحد است، با همین اصل، عدالت خداوند تبارک و تعالی به‌طور کامل تحقق می‌یابد. یعنی نمی‌توان پذیرفت که، مثلاً، در کلاسی با ده نفر دانش‌آموز، من شیخ علی را با امتحانی متفاوت از امتحان شیخ سجاد محک بزنم؛ در حالی که شیخ علی و شیخ سجاد - در یک مقطع تحصیلی - و در دین، از نظر فطرت، بر فطرتی یکسان و برابر آفریده شده‌اند و دینی که باید به آن پایبند باشند، واحد و یگانه است.

آیا روشن شد؟ یعنی آن پایه و بنیانی که دین هر یک از پیامبران و اولیا بر آن استوار گردیده است، نیز یگانه و واحد باشد. اگر به این امور توجه کنیم - به دوام و ثبات خداوند، به عدالت، رحمت و حکمت او - پژوهشگر به چیزی جز یک حقیقت یگانه نخواهد رسید؛ و آن، این است که اصل دین، جانشینی است.

